

تعمیق انقلاب تنها راه غلبه بر مشکلات

• رهنمودهای امام، روشن کننده راه است.

• مشکلات ما ناشی از سلطه و غارت و

توطئه امپریالیسم و سرمایه داری است.

واقعیتی است که همه می بینند و می گویند که کشور ما در چنبر مشکلات عدیده گرفتار آمده است. در واقع دشمنان انقلاب ما، و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا، چنان کرده اند که در هر قدم ما با دشواری های بسیار برخورد می کنیم. از یک سو تجاوز نظامی و توطئه کودتا و زد و خورد های مرزی به راه بیاندازند و از سوی دیگر اقتصاد ما را زیر فشارهای متنوع خود و عمال خود گرفته می کشند تا عرصه را بر همه مردم تنگ کنند و توده زحمتکش را به جان آورند، تورم و گرانی و بی کاری و فقدان وسایل ضروری زندگی را به حد غیر قابل تحملی برسانند و ناراضی را به مخالفت بدل کنند.

آیا این مشکلات حتما ما را از پای در خواهد آورد و انقلاب ما را به شکست خواهد کشاند؟ قاطعانه و مسلما باید گفت نه! قاطعانه و مسلما می توان امیدوار بود که انقلاب ما با توان عظیم خویش قادر خواهد بود بر این مشکلات فائق آید و پوزۀ دشمن خود، و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا، را به خاک مالد. منتهی شرط پیروزی آن است که قاطعانه و مسلما باید برای مقابله با این مشکلات - داخلی و خارجی، اقتصادی و سیاسی، نظامی و فرهنگی، امنیتی و روانی - تمام نیروی خود را بسیج کرد و جدا در راه تعمیق انقلاب گام گذارد.

تنها راه این است: تعمیق انقلاب!

و تعمیق انقلاب به معنای آن است که در جهت هدف های ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی انقلاب با قاطعیت پیش رفت، موانع را به کنار زد، تدابیر جدی و برنامه های دقیق اتخاذ و تدوین کرد. همان راهی را رفت که در حمایت از مستضعفین و در طرد کامل سلطه همحائنه امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا، تمام خمینی بارها و بارها تاکید کرده و در آخرین سخنان خویش نیز بار دیگر بر آن قاطعانه تکیه کرده اند.

برای رهایی از گرداب مشکلات نمی توان یک بام و دو هوا، گام به گام، با ماسات و تعلل، با سازشکاری عمل کرد. نمی توان هم هوای کنار آمدن با آمریکا را داشت، هم ریشه های تسلط اقتصادی و سیاسی و فرهنگی آمریکا را از ریشه کند. نمی توان هم به سرمایه داران وابسته، به واسطه ها و محترمان و به زمین داران کلان میدان داد و هوای منافع آنها را داشت و هم نجات مستضعفین از بندهای گران فقر و عقب ماندگی و ذلت را مدعی بود.

برای رهایی از مشکلات عدیده ای که در برابر کشور ما قرار دارد، برای رفع دشواری های اقتصادی برای شکستن کمر غول تورم و بی کاری و گرانی، و هم چنین برای آسیب ناپذیر کردن کشور در برابر توطئه های امپریالیسم آمریکا و عمال او، در برابر دسائس اشرف ها و اویسی ها و بختیارها، در برابر

محاكمه «گروگانها» - جاسوسان امریکائی تربیون افشاء جنایات امپریالیسم امریکا

لیبرال، عناصر محافظه کار و ضد انقلاب داخلی در صور مختلف و لباس های گوناگون، که ناگهان عرق "شرم" بر چهره شان نشست، اشغال یک "سفارتخانه" خارجی را در روز "نزاکت بین المللی" دانستند، "گروگانگیری" را محکوم کردند و آن را "کلوخی" خواندند که ماسوی امپریالیسم آمریکا پرتاب کرده ایم و باید انتظار "یاداش سنگ" داشته باشیم. این جریان "جاسوسان" را "دیپلمات های امریکائی" می دانست، که وظایف مرسوم خود را انجام داده اند و هر سندی که از انباره جاسوخانه درآمد و برده از ارتباط برخی از عالی رتبه گان دولت موقت با جاسوسان برداشت، چهره دزم کرد، که تماس و ارتباط با "کارمندان" سفارت عملی نامشروع و غیر مجاز نیست و "کسب اطلاع" وظایف ماموران هر سفارتخانه است. خوشبختانه این "عمل تعمد" ها مردم را نرفت و صف های طولانی راه پیمایی مردم برآشفته و خشمگین علیه جنایات امپریالیسم آمریکا و جاسوسان امریکائی، نشان می داد که مردم تاجه حداز تبهکاری های آمریکا و عملکرد جاسوخانه آن نرفت دارند.

جریان دوم کوشید تا با توسل به اقدامات آشکار سیاسی و مذاکرات و توافق های پنهانی، زمینه را برای آزادی "گروگانها" فراهم آورد. به موازات این اقدامات و این مذاکرات، سیل اتهام و دشنام بر سردانشجویان مسلمان پیرو خط امام باریدن

بقیه در صفحه ۲

از سوی عده ای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، طرحی با قید و قوربت در مورد محاكمه جاسوسان امریکائی تسلیم هیئت رئیسه مجلس شده است.

حجت الاسلام رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی نیز در مصاحبه اختصاصی خود با روزنامه جمهوری اسلامی (۱۵ مرداد ۵۹) یکی از اولویت های کار مجلس را بدستی مسئله رسیدگی به وضع گروگانها دانسته است.

اقدام دلاورانه و شورا نگیز دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در اشغال لانه جاسوسی، منجر به اسارت عده ای از جاسوسان امریکا شد، که بانام "دیپلمات" در خاک وطن ما فعالیت مخرب داشتند و شب و روز در کاوش یافتن راه هایی بودند که انقلاب ایران را بدست کارگزاران خود به انحراف کنند و آن را از درون بیوسانند و اگر نشد، از طریق برقراری ارتباط با ضد انقلاب داخلی، امکانات سرنگونی نظام جمهوری اسلامی را بررسی کنند و اطلاعات لازم را در اختیار سازمان جاسوسی "سیا" قرار دهند. اسناد افشاکری دانشجویان مسلمان پیرو خط امام این دو وجه از فعالیت جاسوسان امریکا را آشکار کرده است.

اشغال جاسوخانه از همان آغاز بردو جریان سیاسی مشخص برتوافقند: جریان اول، که بلافاصله پس از تایید امام از عمل دانشجویان، با شور فراوان مبارزه علیه امپریالیسم امریکا را تشدید کرد، و جریان دوم از سوی بورژوازی

نامه

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۰۳
شماره ۱۸ مرداد ۱۳۵۹، نشر شماره ۱۵ رسال

تأخیر در اجرای اعلامیه ۵ مرداد
دادستان کل کشور، تنها به بی اعتبار
شدن قانون اساسی و نهاد های جمهوری
اسلامی، یاری میرساند

برای حفظ قانون اساسی، باید در مقابل قانون شکنان قاطع و بی تزلزل بود

آیت الله موسوی اردبیلی دادستان کل کشور:

هرگونه هرج و مرج، بی نظمی، خدشه دار ساختن امنیت قضائی و مخالفت با مواد مصرح قانون اساسی و قوانین روشن اسلام صدمه و خسارت جبران ناپذیر به انقلاب می زند. دادستان کل کشور در پاسخ این سوال که گروهها و احزاب تحت چه شرایطی از نظر قانون اساسی میتوانند فعالیت کنند، اظهار داشت: فعالیت سیاسی سالم دور از هرگونه توطئه و تحریک.

آیت الله موسوی اردبیلی، دادستان کل کشور، در یک سخنرانی در حوزه علمیه قائم در چیدر شمیران، از جمله گفت: "کشور احتیاج به نظم و آرامش دارد، گاهی افراد در پای سخنرانی تند می نشینند و عده ای بقیه در صفحه ۷



«تاس» خبر دروغ و تحریک آمیز «فاینشال تایمز» درباره «احتمال حمله شوروی به ایران» را تکذیب کرد

خبرگزاری "تاس" خبر روزنامه "فاینشال تایمز"، ارگان بورژوازی انحصاری بریتانیا، را درباره "احتمال حمله شوروی به ایران"، "ساختگی" خوانده است. "تاس" می افزاید که "این خبر بدستور مراکز جنگ روانی ایالات متحده آمریکا و بریتانیا پخش شده است" و هدف آن را "اخلال در مناسبات میان ایران و اتحاد شوروی و منصرف کردن افکار عمومی جهان از خطر واقعی، که آن کشور را تهدید می کند"، می خواند. به گزارش "تاس"، "این خطر از جانب ایالات متحده آمریکا می آید که نیروی دریایی عظیم و نامرئی در اقیانوس هند گرد آورده است و اینک مشغول تدارک برنامه های عملی برای حمله به ایران است."

حجت الاسلام خامنه ای در خطبه های نماز جمعه گفت: عامل و پایگاه امپریالیسم در این منطقه، اسرائیل خائن است ما در مقابل خود مسئله فلسطین را داریم مسئله امپریالیسم آمریکا را داریم آنها (اسرائیل) پایگاه توطئه گری آمریکا باند علیه ایران و انقلاب ایران در این منطقه.

میلیونها نفر در راه پیمائی پر شکوه روز قدس علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم، شرکت کردند

بقیه در صفحه ۷

وقت است ای توده، نگارنده تاریخ شما تید وقت است که بازش بنویسیم بیائید دریای زجا کنده افراشته بالید پس موج بلند که شما تید، شما تید چون ماه بسی در تک شبها بنشتید امر و زچو خورشید بر این بام بر آید بیدار بمانید و فرزندۀ جاوید آخر نه شما چشم و چراغ همه ما تید! ای راه گشایان، کمر و قله گمرقتید دشمن به کمین است در این تنگ، بیائید ۱۶ مرداد ۵۹ سیاهش کسرائی

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

سیاست دولت بعثی عراق- ترور و اختناق در داخل، توطئه و تجاوز در خارج

بعث عراق با استقرار رژیم دیکتاتوری خود، محیط اختناق و بی‌گرم پلیسی را بر کشور حاکم ساخته است. این رژیم دیکتاتوری، که هر نوع حق‌طلبانه و آزادی‌خواهانه و مخالفت با سلطه شوم خود را با گلوله و زندان پاسخ می‌دهد، در سیاست خارجی خط‌مشی توطئه و تجاوز، تحریکات مسلحانه و ماجراجویی علیه کشورهای مستقل ملی و خلق‌های منطقه را دنبال می‌کند.

در پیام سازمان زنان عراق خطاب به کلیه سازمان‌های بین‌المللی، از جمله کمیته دفاع از حقوق بشر و سازمان ملل متحد و سازمان‌ها و احزاب و نیروهای مترقی سراسر جهان، گوشه‌ای از جنایات این رژیم سفاک علیه مردم عراق افشاء شده است. در این پیام آمده است:

رژیم بعثی عراق کلیه اصول اخلاقی و قانونی و عرف بین‌المللی مربوط به انسان و آزادی‌های اساسی وی را زیر پا گذاشته است. در عراق کلیه کسانی که هوادار دیکتاتوری صدام حسین نیستند، دسته‌جمعی کشته می‌شوند. زندانیان سیاسی در این کشور از طریق غذا با جیوه مسموم می‌شوند. رژیم صدام حسین با کلیه مخالفان خود، بدون توجه به ملیت و عقاید سیاسی و مذهبی آنان، با یک شیوه، یعنی زندان و شکنجه و مرگ برخورد می‌کند. شیعیان عراق و ایرانیان مقیم در عراق تنها به خاطر پشتیبانی از انقلاب ایران و رهبر این انقلاب امام خمینی، مورد وحشیانه‌ترین بی‌گرمی‌های پلیسی قرار می‌گیرند و یا از کشور رانده و طرد می‌شوند. رژیم دیکتاتوری صدام حسین از لحاظ شمار احکام اعدام صادره در دادگاه‌های فرمایشی، رکورد احکام اعدام را در تمام دوران خودتاریسی دولت عراق، از دهه دوم سده معاصر تا کنون، شکسته است.

در پیام سازمان زنان عراق خطاب به سازمان‌های مترقی جهان نمونه تکان دهنده‌ای از عملیات تبهکارانه رژیم بعثی عراق، که برای همه جلادان خلق‌ها می‌تواند تازگی داشته باشد، ذکر شده است. درخیمان رژیم بعثی از راه غذا زندانیان سیاسی را با جیوه مسموم می‌کنند و قربانیان خود را ازین راه به مرگ محکوم می‌سازند.

دانشجو حسن لطیف، کارگر سعد بجای، دانشجو علی عبدالغنی از کسانی هستند که با این شیوه شیطانی و تبهکارانه به قتل رسیده‌اند.

قتل صدها نفر از کمونیست‌ها و سایر عناصر میهن دوست و ترقی‌خواه و شیعیان مبارز در سیام چال‌های رژیم دیکتاتوری صدام حسین زیر شکنجه‌های وحشیانه و قرون وسطایی، از نمونه‌های دیگر عملکرد این رژیم با مخالفان سیاسی خود و عناصر مبارز و ترقی‌خواه است.

دولت بعثی عراق با ایجاد جو اختناق و ترور زمینه را در سیاست خارجی برای دورشدن از مواضع ضدامپریالیستی جمهوری عراق فراهم ساخته و در راه هم‌پیوندی و وابستگی به امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، به پیش می‌رود.

اتخاذ مواضع میهن و تکرورانه دولت بعثی عراق در مسئله بحران خاورمیانه، و احتراز از پیوستن به جنبه پایداری کشورهای عربی و سازمان آزادی‌بخش فلسطین در برابر تجاوز اسرائیل و امپریالیسم آمریکا، عملاً به زیان خلق‌های عرب مورد تجاوز اسرائیل و بویژه خواست‌های برحق خلق عرب فلسطین و بنفیع اسرائیل و حامی آن امپریالیسم آمریکا تمام می‌شود.

دولت بعثی عراق در حالی که با اتخاذ مواضع ویژه خود در مسئله بحران خاورمیانه، جنبه پایداری کشورهای عربی در برابر تجاوز اسرائیل را تضعیف می‌کند، روابط خود را با عربستان سعودی و رژیم انور سادات در مصر، که دویابگاه نظامی و سرپل تجاوز و تحریکات نظامی امپریالیسم آمریکا در این منطقه هستند، گسترش می‌دهد و عملاً در مواضع آنان قرار می‌گیرد و با پیروی از سیاست تجاوز و مداخله نظامی امپریالیسم آمریکا علیه کشورهای مستقل ملی عربی و رژیم‌های ملی و ضدامپریالیستی در منطقه خلیج فارس، به توطئه و خرابکاری دست می‌زند.

مواضع خصمانه دولت بعثی عراق در برابر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، شرکت آن در توطئه‌ها و عملیات تخریبی علیه جمهوری اسلامی ایران نمودار برجسته خط‌مشی سیاست خارجی این رژیم دیکتاتوری در زمینه هم‌پیوندی با ارتجاع و امپریالیسم جهانی و تبعیت از سیاست تجاوز-گرانه امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای مستقل ملی و جنبش‌های رهایی بخش خلق‌های این منطقه است.

دولت بعثی عراق در تمام توطئه‌ها و عملیات خرابکارانه‌ای که علیه جمهوری اسلامی ایران، طبق

بخواست بحق کارگران شهرداری مسجد سلیمان در تأمین کار پاسخ مثبت دهید

شهرداری مسجد سلیمان با صدور بخشنامه‌ای در تیرماه گذشته به کارکنان جدید خود (بیش از هزار کارگر و صدکارمند، که به‌دلیل انقلاب مشغول کار شده‌اند) ابلاغ کرده است تا از مردانه‌ها دنبال کار دیگری برای خود باشند، چون شهرداری قصد دارد بخشی از کارهای عمران شهری خود، از قبیل ویل و جاده‌سازی را به مرکز گسترش شهرستان بسپارد.

شهرداری مسجد سلیمان، که تاکنون بصورت قاطع از عناصر طاغوتی و ضدانقلاب پاکسازی نشده و

محاکنه «گر و گزانه»...

بقیه از صفحه ۱ گرفت. آنها متهم شدند که گویادولتی در داخل دولت ایران تشکیل داده‌اند. آنها تهدید شدند که بزودی از «سفارتخانه» اخراج خواهند شد. آنان را «جی» و «کونیست» خواندند. آنها را «بچه» نامیدند، که جز اخلاص در کار دولتمردان و وظیفه‌ای برای خود نمی‌شناسند!

درست در روزهایی که جریان دوم خود را در آستانه پیروزی گمان می‌برد، فتوی امام به کمک دانشجویان آمد که:

تکلیف «گروگانها» را مجلس تعیین خواهد کرد و تا آنوقت «گروگانها» در اختیار دانشجویان باقی خواهند ماند.

به رهنمود امام، «گروگانها» در اختیار دانشجویان مسلمان پیروخط امام باقی ماندند و استاد لانه جاسوسی، یکی پس از دیگری، وسیله دانشجویان افشاند، که سیمای دوگانه عده‌ای از کارگزاران آمریکا را در درون دولت موقت و خارج از آن نشان داد، همانها که هم با اشتغال لانه جاسوسی و هم با «گروگانگیری» مخالف بودند.

مسئله «گروگانها»، بهانه تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا به خاک ایران (توطئه طیس) و طرح توطئه‌ای وسیع شد (توطئه ۱۸ تیر)، که خوشبختانه هر دو در نقطه به شکست انجامید.

اکنون مجلس شورای اسلامی، در آستانه پایان رسیدگی به اعتبارنامه نمایندگان و پرداختن به وظایف اساسی خویش است، که از اهم آنها تعیین تکلیف «گروگانها» است. طرح دوفوریتی عده‌ای از نمایندگان، مبشر این حقیقت است که مجلس در

تعمیق انقلاب...

بقیه از صفحه ۱ تشنج آفرینی‌های ساواکی‌ها و طاغوتی‌ها، چاره‌ای جز تعمیق اهداف ضدامپریالیستی و خلقی انقلاب نیست.

اگر ما موفق شدیم نبرد با امپریالیسم آمریکا را هم‌جانبه و در همه شئون به طور جدی و عمقی سازمان دهیم و هدف را ریشه‌کنی تمامی نفوذ سلطه آن قرار دهیم، آن وقت خواهیم توانست به رهنمود امام خمینی - همانطور که در پاسخ به پاپ گفتند، عمل کنیم که:

«ما نمی‌توانیم که دیگر زیر بار آمریکا برویم. آمریکا اگر تمام افراد ما را هم از بین ببرد، دیگر نمی‌تواند در اینجا منافع خودش را جبران کند و منافع خودش را تأمین کند و ملت را به ستم و زور در تحت شکنجه و اختناق قرار بدهد.»

این، درست، اساسی‌ترین جنبه تعمیق انقلاب ماست و تنها راه غلبه بر همه مشکلات، امام نکته مرکزی را نشان می‌دهند: جلوگیری از جبران و تأمین منافع آمریکا تا سرحد آنکه تمام افراد ما را هم از بین ببرند. و این یعنی تسلیم نشدن به هیچ قیمت و سازش نکردن به هیچ شکل. این اساس

طرح‌های کارتر رئیس جمهور آمریکا صورت گرفته، همیشه نقش فعال داشته و اکنون با تجاوزات مسلحانه خود به نواحی مرزی ایران زمینه‌های لازم را برای تحقق توطئه‌های جدید امپریالیسم آمریکا علیه ایران آماده می‌سازد.

بدین ترتیب سیاست داخلی دولت بعثی عراق که با استفاده از شیوه‌های فاشیستی ترور و اختناق علیه آزادی‌ها و حقوق دمکراتیک مردم عراق عمل می‌کند، با سیاست خارجی توطئه و تجاوز و ماجرا-جویی علیه کشورهای مستقل ملی در منطقه و علیه جمهوری اسلامی ایران پیوند و ارتباط ناگسستنی دارد. این سیاست در مجموع خود پیروی از سیاست و منافع ارتجاع داخلی و امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و در قطب مقابل منافع انقلابیها، استقلال ملی و جنبش‌های رهایی بخش خلق‌هاست. چنین سیاستی به حکم جبر تاریخ بی‌سرانجام و محکوم به شکست است.

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

به تهران فرستاده‌اند. مقامات مسئول موظفند بخواست بحق کارگران برای تأمین کار توجیه جدی کنند و با هوشیاری تمام، در شرایط حساس کنونی کشور، زمینه هرگونه سوءاستفاده را از خد انقلاب و عناصر چپ‌نما، که در پی فرصت‌اند تا کارگران را به تعصن کشاند و کانون تشنج و تاراجی در شهر بوجود آورند، بگیرند.

مشکل شهرداری مسجد سلیمان را تنها از طریق پاکسازی قاطع عناصر طاغوتی و ضد انقلاب، تعیین مدیریت لایق و تنظیم و اجرای برنامه‌های مشخص برای فعالیت‌های عمرانی شهر میتوان حل کرد، در غیر این صورت مرکز گسترش قادر به انجام وظایف نخواهد بود.

اینان بازوان سازمان‌های جاسوسی امپریالیسم آمریکا در قلب کشور ما بوده‌اند.

توقع مردم آن بود که پس از تشکیل کنفرانس بررسی جنایات امپریالیسم آمریکا در ایران، جنایات این امپریالیسم در سطح جهان افشاء شود، تا افکار عمومی جهان بدانند که سلطه امپریالیسم بر مردم ما چه آورده است. متأسفانه با پایان کنفرانس، بررسی‌ها دنبال نشد.

توقع مردم آن بود که شاه مخلوع مسترد و در ایران محاکمه شود، تا دادگاه این مزدور اجنابیتها و خیانت‌های امپریالیسم آمریکا پرده برگیرد. شاه مرد و این امید به پاس گرائید.

اکنون تنها راه برای افشاء امپریالیسم آمریکا در سطح جهان، محاکمه «گروگانها» است، تا جهانیان بدانند که چرا مهم‌ترین وجه انقلاب ایران خصلت ضدامپریالیستی آنست، چرا یک خلق باغوشی خطررفت و ۶۰ هزار جان پاک شهادت را استقبال کرد، تا سلطه امپریالیسم را در خاک خود نابود سازد، چرا مردم ایران با وجود گنجهای زیرزمینی بی‌شمار، فقیر و بیسواد و محرومند چرا کودکان ایرانی پزشک، دارو و مدرسه ندارند، چرا صنعت ما وابسته است، کشاورزی ما مضحل است، فرهنگ ما نیمه‌جان و استعماری است و چرا امام فریاد برمی‌آورد که:

«همه بدبختی‌های ما از آمریکا است، آمریکا دشمن اصلی ما است، همه فریادهای خود را بر سر آمریکا بکشید.»

محاکمه جاسوسان آمریکایی بخواست مردم مستمده از امپریالیسم آمریکا است. مجلس شورای اسلامی در جهت تحقق این خواست حرکت کرده است و این موجب خوشوقتی است.

دراز مدیریت صحیح و برنامه‌مشخصی نیست، بخشهایی از فعالیت عمران شهری را به مرکز گسترش سپرده است. با توجه به اینکه تجربه نشان داده که انجام این قبیل کارها از جانب مرکز گسترش موفقیت چندانی نداشته و عملاً این مرکز قادر به جذب و تشکیل گروه‌های جدید نیست: اولاً این بخش از فعالیت‌های عمران شهری را به تعطیل خواهد کشاند و از رتبه عمومی شهر خواهد کاست، و ثانیاً و مهم‌تر اینکه، خطر بیکاری و سرگردانی کارکنان جدید شهرداری را، که بیش از هزار و دویست نفرند، تهدید می‌کند.

اکنون در ارتباط با همین موضوع، کارگران چهار تن از نمایندگان خود را برای مذاکره و حل این مشکل

خط امام حرکت می‌کند و رهنمود امام را در مورد محاکمه «گروگانها» تحقق می‌بخشد.

نکته نرفته در محاکمه جاسوسان آمریکایی هم افشاء گوشه‌هایی از جنایات امپریالیسم آمریکا و سازمان‌های جاسوسی آن علیه میهن و مردم ماست و هم چهره واقعی «دیپلمات‌های آمریکا» را نقش خواهد زد، که جاسوسند و نه دیپلمات، و این خلاف ادعای مخالفان «گروگانگیری» است.

اقرار بر جاسوسه آمریکایی بنام «الین سینتیا بران دوآیر»، که برای کسب اطلاع درباره «گروگانها» و برقراری ارتباط با ضدانقلاب، قبل از توطئه طیس، وارد تهران شد و در آغاز اردیبهشت ماه توسط پاسداران دستگیر گردید، حاکی از آن است که:

— یکی از «گروگانها» بنام هالند، بوسیله عکس تعداد «گروگانها» را برای آمریکا مشخص کرده‌است،
— «گروگانها» از طریق ارسال عکس، موقعیت «گروگانها» را در داخل لانه جاسوسی مشخص کرده‌اند و سازمان سیا و دولت آمریکا در طرح حمله نظامی (توطئه طیس) از این عکس‌ها برای شناسایی محل هریک از «گروگانها» استفاده کرده‌اند.

— یکی از «گروگانها» در بازجویی‌های بعدی صریحاً اعتراف کرده‌است که «گروگانها» بوسیله نامه‌هایشان برای آمریکا پیام فرستاده‌اند.

استفاده از رمز توافق شده در نامه‌ها عکس برای ارسال پیام و اطلاعات، دلیل بر آنست که این باصطلاح «دیپلمات‌ها»، قبل از «گروگانگیری» هم با استفاده از همین رموزها، اطلاعات جاسوسی خود را از سرزمین مابه سازمان «سیا» مخابره می‌کرده‌اند.

انقلاب ماست که:

«ما نمی‌توانیم دیگر زیر بار آمریکا برویم.» تمامی دستگاه جمهوری اسلامی، دولت‌مداران و همه نهادها و ارگان‌هایی که ایجاد شده و خواهند شد، باید در این راه گام بردارند و این رهنمود را قطب‌نمای اساسی عمل خود قرار دهند. در این صورت است که افق رفع مشکلات و جبر شدن بر آنها - که همه ناشی از ریشه‌های فاسد سلطه گذشته امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و رژیم طاغوتی وابسته به آن یا ناشی از توطئه‌های گوناگون سیاسی و اقتصادی و نظامی آن است - گشوده خواهد شد.

در عین حال تعمیق انقلاب و گشودن راه پیروزی بر مشکلات، به معنای گشودن راه برای غلبه بر نظام سرمایه‌داری استعمار است. سرمایه‌داری زاینده استکبار و استضعاف، بهره‌کشی و بهره‌دهی است، موجد ظالم و مظلوم، ستمگر و ستمکش است، منشاء همه تزویرها، فسادها و تباهی‌هاست. مشکلات جامعه انقلابی ما - از جو سیاسی ناسالم گرفته تا گرانی - حل نخواهد شد، مگر با ریشه‌کن کردن بساط غارت سرمایه‌داری و در هم‌راه آن زمین‌داری بزرگ. این‌ها وابستگی به امپریالیسم و اعمال طاغوت‌اند و خود زاینده وابستگی و طاغوت منشی هستند. این‌ها سرمنشاء مشکلات و دشواری‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ما هستند. جامعه انقلابی ما در صورت ادامه وجود آنها، زیر بار مشکلات خرد خواهد شد. به جلو نخواهد رفت، و بر عکس با قطع ریشه‌های آنها، مستقل و آزاد و شگوفان خواهد شد.

در همین پاسخ اخیر به پاپ، امام سخنانی می‌گویند که باید به حق دانست که منظور تنها جلب نظر رهبر کاتولیک‌ها نیست، بلکه نظر همه دولت‌مداران و مسئولان امور در خود کشور ما هم باید با دقت تمام به آن جلب شود.

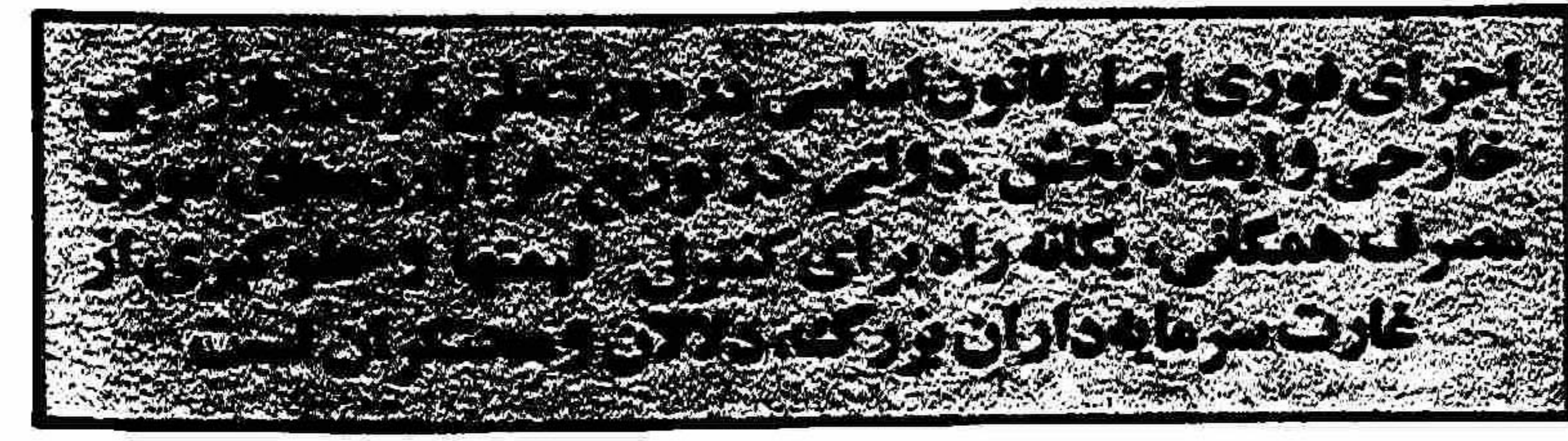
امام می‌پرسند: مگر حضرت مسیح با یک طایفه خوبند و آن ثروتمندان و با طایفه دیگر بد هستند و آن مظلومان و اشخاصی که بیچاره‌فوقیر هستند؟ امام در جای دیگر می‌افزایند:

«شما طرفدار اشخاصی باشید که چپاول شده‌اند مظلومند، زیر شکنجه هستند.» رهنمود کاملاً روشن است، و اگر مسئولان جمهوری ما خیال کنند خطاب تنها پاپ است، اشتباه کرده‌اند. پرستی که راه آینده را تعیین می‌کند، اینست:

با کدام طایفه هستید، ثروتمندان و ظالمان یا چپاول‌شده‌ها و مظلومان؟ این سؤال بزرگ در برابر جامعه ما قرار گرفته است و حکومت جمهوری اسلامی ایران باید با طایفه و مسلماً به آن پاسخ دهد. پاسخ هم روشن است: طرفدار اشخاصی باشید که چپاول شده‌اند مظلومند. این است جنبه دیگر تعمیق انقلاب ما: نبرد برای ریشه‌کن کردن نظامی که ثروتمند و فقیر می‌زاید و به حکومت رساندن واقعی آنهاست که چپاول شده و مظلومند. تا این وظیفه مهم انجام نشود، تا برای انجام این وظیفه مهم تدابیر جدی اتخاذ نشود و برنامه علمی و واقعی تدوین نگردد، یعنی تا دست سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان، واسطه‌های کلان و زالوهای اجتماع و گرگان هفت رنگ قطع نگردد، راه غلبه بر مشکلات کنونی بسته خواهد ماند.

مشکلات کنونی عمیق، بفرنج و فراوانند. ولی انقلاب ما می‌تواند و باید بر آنها پیروز شود. تنها راه تعمیق انقلاب، پیشبرد آن به سوی انجام هدف‌های اساسی ضدامپریالیستی و خلقی است.

رهنمودهای روشن امام را به کار بندیم. انقلاب و کشور را از چنبر مشکلات برهانیم.



مهندس بازرگان خود را تبرئه میکند

نامه سرکشانه مهندس بازرگان به امام، از آن جا که نظرات کلی فردی را در بر می گیرد، که سه عنوان نخست وزیر دولت موقت و عضو شورای انقلاب در تصمیمات مهم مملکتی در دوران پس از انقلاب نقش موثر داشته و اکنون نیز به عنوان نماینده ملت بر کرسی پارلمان ایران نشسته، حائز اهمیت است. محتوای این نامه نشان می دهد که مهندس بازرگان کوچکترین انتقادی بر خود ندارد، شیوه کار و سیاست خود را علی الاصول درست می انگارد و گناه ناگامی های دولت موقت و شورای انقلاب را در "عوامل و عللی" جستجو می کند که مانع اجرای "برنامه های سازندگی" او شده اند، برنامه هایی که بایستی با شیوه "تدریجی"، بدون شتاب و ضربت و فاطمیت که "در آغاز کار ضرورت و فوریتی برای آن احساس نمی شد"، پیاده می شدند. به نظر مهندس بازرگان، ایران بایستی بصورت "تدریجی" از نظام شاهنشاهی به نظام جمهوری اسلامی "انتقال" می یافت. "انتقال تدریجی" از نظام شاهنشاهی به نظام جمهوری اسلامی - اینست مضمون و محتوای انقلاب ایران در نظر مهندس بازرگان، اینست اختلاف اساسی بین مخالفان و موافقان شیوه عمل دولت موقت.

"انتقال تدریجی"، یک شیوه رفرمیستی و اصلاحاتی است که با شیوه انقلابی حل مسائل متفاوت بنیادی دارد. آن کسی که "به حکم عقل و منطق" می خواهد بدون "ضربت و شدت" سرمایه داران وابسته و زمین داران بزرگ را به قبول کردن اصول اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران، بدان گونه که در قانون اساسی آن تصریح شده است، وادار سازد، خام اندیشی بی اطلاع از تاریخ انقلابات جهان بیش نیست. هیچ انقلابی در جهان روی نداده است که وابستگی به رژیم گذشته، "به حکم عقل و منطق" جل و پلاس خود را جمع کرده و در کنج عزلت خزیده باشند. انقلاب ایران نیز از همان نخستین روزهای خود با مقاومتها و توطئه های طبقات سرنگون شده روبرو گشت. کارشکنی آنان از همان اوایل انقلاب در تمام زمینه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، نظامی، فرهنگی و غیره آغاز شد و تاکنون ادامه دارد.

مهندس بازرگان از نقش خائنانهای که سرمایه داران بزرگ و ابدی آنان در تعطیل کارخانه ها، فلج کردن اقتصاد ایران، ایجاد تورم و گرانی داشته اند کلمه ای بر زبان نمی آورد و تمام گناهان را به عهده "گروه های انقلابی و مسلمان" می گذارد که "دانسته و ندانسته تحت تاثیر گروه های چپ قرار گرفته اند" و در "طبقات محروم اشتباهی کاذب ایجاد کرده اند".

مهندس بازرگان بر حسب خصلت طبقاتی خویش در صف سرمایه داران می نشیند و زحمتکشان را محاکمه می کند. لابد اگر ایشان آزادی عمل داشتند، از بکار بستن "خشونت و شدت و ضربت" علیه زحمتکشان ابا نمی کردند. باید گفت که بیشترین فشار بر طبقات محروم در زمان نخست وزیر ایشان وارد شد. ایشان هرگونه اقدام مستقل محرومان را، چه در کارخانه ها و چه در روستاها، "هرج و مرج" نامیده آن را محکوم می کردند و از عمیق شدن انقلاب به سود مستضعفان جلوگیری می نمودند.

این بود "شیوه" عمل منطقی و تدریجی مهندس بازرگان در زمان نخست وزیریشان. ایشان ادعا می کنند که در این شیوه عمل خود "موقفیت های چشمگیری" داشته اند و "جریان امور" به طور محسوس رو به بهبود می رفته و امیدواری و حرکت در سراسر کشور به وجود آمده بوده، "علل و عواملی" پیش آمد که این حرکت را متوقف کرده است. مهندس بازرگان این "علل و عوامل" را در دو گروه طبقه بندی می کند: علل و عواملی که موجب برانگیختن "اشتهای کاذب" در زحمتکشان شده و علل و عوامل نوع دوم، که "ملت و انقلاب" را به تغییر مسیر انداخته و مربوط به تحولات انقلاب می باشد. "این تغییر مسیر و تحول انقلاب، تغییر و تحولی که مهندس بازرگان مخالف شدید خود را با آن پنهان نمی کند، کدام است؟

از نظر سیاست داخلی: "اجرای عجولانه" برنامه های مالکیت شهری و روستایی و صنعتی، "خلعید از هر صاحب مقام مسئول و مشغول که در زمان طاغوت مسئولیت یا فعالیت داشته است". به عبارت دیگر به نظر مهندس بازرگان اشتباه انقلاب در دو مسئله اصلی بوده است: دست زدن به مالکیت سرمایه داری وابسته و کنار گذاشتن وزیران، مدیران کل و دیگر صاحبان مقامهای مسئول در دوره شاه معدوم، بخصوص اخراج ارتشبدان و سپهبدان و سرلشکران شاهنشاهی، که مهندس بازرگان با تمام نیروی خود برای نگه داشتن آنان در ارتش کوشیدند. اگر انقلاب از نسخه مهندس بازرگان پیروی

کرده بود، امروز ما در کجا بودیم؟ مهندس بازرگان چگونه به خود اجازه می دهد که پس از کشف هفت توطئه در ارتش، خلع ید از صاحبان مقام در زمان طاغوت را محکوم کند؟ چگونه می توان قبول کرد که صاحبان مقام های مسئول در دوره شاه معدوم بتوانند به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران صدقانه خدمت کنند؟ مگر مهندس بازرگان اطلاع ندارد که صاحبان مقام در دوره طاغوت از هفت غربال ساواک و سا می گذشتند؟ نمی توان پذیرفت که کسی تا این پایه سادماندیش و خوشیاور باشد. مهندس بازرگان چگونه جرات می کند که این نظر خود را، که تجربه انقلاب ما نادرستی آن را ثابت کرد، بار دیگر در نامه خود مطرح کند؟

آیا عبرت انگیز نیست که برخی از همکاران منتخب مهندس بازرگان به جرم توطئه بر ضد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران یا در زندان نشسته اند، یا در انتظار زندان سرب می برند، یا در خارج از کشور به ادامه توطئه علیه انقلاب، مشغولند؟

تغییر مسیر انقلاب در سیاست خارجی که به نظر مهندس بازرگان "قسمت عمده مسایل و مصائب ناشی از آن بوده"، "پنجه در پنجه انداختن ابرقدرتی چون آمریکا" بوده است، امری است که "بیم اتم و قدرت بی پایان یا حیل و وسله های کلان در چینه دارد" و هرچند "عنایت خداوندی و اعجازهایی شامل رهبر انقلاب و ملت بود و انشاء الله خواهد بود، ولی مفهوم و وعده قرآنی "و لنبلونکم بشی من الخوف والجوع ونقص من الاموال والانسف و الثمرات و بشرا الصابرين" هم به جای خود هست.

مهندس بازرگان در این مورد هم به پیروی از غریزه طبقاتی خود، مسئله را درست برعکس مطرح می کند. مگر ما بودیم که در پنجه ابرقدرتی چون آمریکا پنجه انداختیم؟ مگر آمریکایی ها یا یک کودتای خائنه شاه را نیاوردند؟ مگر آمریکایی ها

۲۵ سال این مردم ستم دیده را غارت نکردند؟ مگر ژنرال های خون خوار ارتش شاهنشاهی به دستور آمریکایی ها به روی مردم بی سلاح ما آتش کشیدند؟ مگر پس از انقلاب، سفارت خانه خودشان را به مرکز

فعالیت بر ضد انقلاب، تبدیل نکردند؟ مگر روزنامه ها، تلویزیون ها و رادیوهای آنان از همان نخستین روزهای انقلاب برضد ما و رهبر انقلاب ایران موضع نگرفتند و صفحات مطبوعات خود را با صدها کاریکاتور مستهجن از امام خمینی پر نکردند؟

"بیم اتم و قدرت بی پایان" آمریکا ممکن است چشم سازشکاران لیبرال را خیره کند اما انقلابیون استوار می دانند که "آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند"، نه به این دلیل که قدرت ندارد، بلکه به این دلیل که در شرایط خاص ایران، قدرت اعمال این قدرت را ندارد. بعلاوه تسلیم شدن در برابر این قدرت، نه فقط هیچ یک از مسایل و دشواریهای ما را، که همه از نفوذ سی ساله آمریکا در تمام شئون کشور ما سرچشمه می گیرد، حل نمی کند، بلکه ما تا ریشه شیطان بزرگ را از سرزمین کشورمان برنندازیم، هیچ اقدام مثبتی برای تأمین آزادی و استقلال و بهروزی کشورمان نمی توانیم به عمل بیاوریم. مگر مهندس بازرگان نشنیده است که کارتر به ژیمکاردستن گفته است: ما از ایران و آلمان به هیچ وجه دست بر نمی داریم؟

مهندس بازرگان به مردم ایران توصیه می کند که با آمریکا، به دلیل آن که قدرت و بیم اتم دارد، کنار بیایند. کنار آمدن یعنی چه؟ آیا آمریکا حاضر است با ما مثل دو کشور برابر حقوق رفتار کند؟ نفت ما را به قسمتی که می خواهیم بفروشیم بخرد؟ اجناسی را که ما می خواهیم از آمریکا بخریم، هر روز گران تر نفروشد و ما با رابطه اقتصادی برابر حقوق برقرار کند؟ یا ما باید برای این کنار آمدن و برحذر بودن از آفات این غول وحشی به او باج بدهیم؟ و در این صورت برای چه انقلاب کرده ایم و بین نظام جمهوری اسلامی و نظام شاهنشاهی چه فرقی است؟

آقای مهندس بازرگان! امام راست گفته اند که انتصاب شما به نخست وزیر دولت موقت انقلابی خطا بوده است، خطایی جبران ناپذیر. شما به طعنه برای "جوانانی که قرار است روی کار آیند" خدا قوت، آرزو می کنید، ولی پیری و جوانی نقش چندانی در این امر ندارد، مسئله اصلی شیوه عمل و تفکر است، که ممکن است جوانی باشد از شما سست تر، و پیری باشد چون امام از هر جوانی قاطع تر. حکومت انقلابی شیوه عمل و تفکر انقلابی می خواهد، که در شما نبود. این شیوه را ما نیز نمی توان از دیگران اخذ کرد. چاه باید آب را از خود درآرد.

اخبار دهقانی

بنیاد مستضعفان فارس نقش مالک را ایفا می کند

چندین نفر از دهقانان اهالی علی آباد سیدان واقع در ۲۰ کیلومتری مرودشت، چند روز است که به مراجع مسئول استان فارس مراجعه می کنند و خواستار رسیدگی به وضع بنیاد مستضعفان هستند. مالک این روستا (که اکنون متواری است) در جریان اصلاحات ارضی شاهانه، با اعمال نفوذ از ۲۰۰ هکتار زمین مزروعی فقط ۸۰ هکتار به ۲۲ خانوار دهقان داد. در نتیجه بازم همان بساط ارباب - رعیتی برجاماند و دهقانان مجبور شدند دوباره برای مالک کار کنند.

پس از پیروزی انقلاب، بنیاد مستضعفان شیراز به روستای علی آباد آمد و زمین های قوامی را به دهقانان اجاره داد! در قرارداد که بین دهقانان و بنیاد منعقد گردید، قرار بر این شد که ۴۰ درصد محصول را دهقانان به بنیاد بدهند، به شرطی که کمابین و کود شیمیایی از طرف بنیاد تأمین شود. ولی بنیاد به این عهد خود عمل نکرد. دهقانان با صرف هزینه های فراوان و کوشش زیاد، مثلا خرید هر کیسه کود به قیمت ۸۰ تومان، کرایه کمابین برای هر هکتار ۶۰۰ تومان و... محصول گندم و چغندر را کاشته و درو کردند. بعد از برداشت، بنیاد به سراغ آنها آمد و خواستار ۴۰٪ محصول است. دهقانان به این عمل اعتراض یارند و حتی حاضرند ۲۰٪ محصول را به بنیاد بدهند، ولی سرپرست بنیاد مخالفت می کند و حتی یکی از دهقانان را دستگیر و روانه زندان کرده است. سرپرست بنیاد محل حتی دستور بنیاد تهران را زیر پا گذاشته و به دهقانان گفته است:

"من مستقل عمل می کنم. این حرفها را بربزد دور!"

بنیاد باید حامی مستضعفان باشد، نه آنکه بشیوه مستکبران عمل کند. مسئولین که در ارگانها و نهادهای انقلابی دولتی در روستاها هستند و در امر پیشبرد انقلاب تلاش می کنند، بخوبی آگاهند که عدم رسیدگی به مشکلات و خواسته های دهقانان باعث سرخوردگی آنان از انقلاب و بدبینی آنها نسبت به ارگانهای اجرایی و دولت انقلاب خواهد شد. لذا باید در این موقعیت حساس، که ضد انقلاب می گویند انقلاب را با شکست مواجه سازد، از تاراجی این ترشی خودداری کرد و به خواسته های این مستضعفان روستا رسیدگی جدی نمود.

زمین، از آن دهقانان است، نه از آن مالک

روستای مزی آباد، یکی از روستاهای منطقه بوانات فارس و جمعیت آن در حدود ۴۰۰ خانوار است.

مالک این روستا، عربشاهی، که در دوران طاغوت نماینده مجلس فرمایشی شاه مخلوع بود، با زور و حیل زمین دهقانان را تصرف کرد. یکی از دهقانان این روستا در این باره میگوید: "من قبلا سه هکتار زمین داشتم، که یکدم محصول را خان از من می گرفت، ۲ هکتار از این مقدار را باغ انگور کرده بودم و شبانه روز رویش کاری کردم و زحمت می کشیدم. ۱۵ سال آرزگار عرق ریختم و بیل زدم، اما دست آخر خان ظالم یک نامه ای بدست من داد و گفت امضاء کن. من هم اینکار را کردم بعد فهمیدم که در آن نوشته شده بود که من هیچ حقی بر سه هکتار زمین و باغ ندارم. بعد هم مالک مرا بیرون انداخت و یک نفر دیگر را سراغ و زمین گذاشت. این خان مکار، هر سال یک نفر را می آورد و مامور رسیدگی به باغ می کند و هر سال هم آنها را عوض می کند تا کسی نتواند ادعای مالکیت بکند."

وی ادامه می دهد: "حالا هم من آمدم مالک زمین و باغ مرا، که چندین سال زحمت کشیده ام و آن را آباد کرده ام، بمن بدهند تا بتوانم نان بخورم و نمیری برای خانواده ام تهیه کنم." این دهقان حتی سند مالکیت زمین خود را

موانع را از جلو پای هیئت واگذاری زمین در استان اصفهان بردارید

در پی تصویب قانون اصلاحات ارضی و منظور اجرای این قانون در خدمت دهقانان بی زمین و کم زمین، مدتی است هیئت ۷ نفری واگذاری زمین در استان اصفهان تشکیل گردیده است. اعضاء این هیئت با جدیت بر آنند که در اسرع وقت، امر تقسیم زمین را بین دهقانان تهیدست شروع کنند. این هیئت پس از تعیین گروه های ۵ نفری شهرستانهای تابعه، اصفهان (نمایندگان فرمانداری، اداره کشاورزی، جهاد سازندگی و سپاه پاسداران شهرستان و نماینده ولی امر) به اتفاق ۲ تن از نمایندگان دهقانان هروستا، کار تقسیم اراضی بزرگ مالکان را شروع خواهند کرد. هم اکنون کاربری وضع روستاهای مختلف تابعه، استان اصفهان، توسط گروه های تحقیق "هیئت" آغاز شده است. عمدترین موانع بر سر راه فعالیت های "هیئت"، طبق اظهارات آقای بدری زاده، یکی از مدیران هیئت، کمبود اعتبار کافی مالی، عدم همکاری لازم از جانب ارگانها و ادارات دولتی با هیئت و ارجاع دعاوی خارج از صلاحیت این هیئت، از طرف مسئولین به این هیئت است.

هیئت هفت نفری باید قاطعانه و فوراً کار خود را انجام و ادامه دهد. اشکال تراشی و ایجاد موانع متعدد، امروز واگذاری زمین را به تعویق می اندازد و این مستقیمه نفع مالکان بزرگ و به ضرر دهقانان ستم دیده، بمنفع خدانقلاب و به ضرر جمهوری اسلامی ایران است. هیئت هفت نفری باید بتواند با دستهای باز کار خود را ادامه دهد. وظیفه خود دهقانان است، که با هر وسیله ای که می توانند از هیئت های صالح واگذاری زمین پشتیبانی کنند و نهادهای انقلابی را به کمک بطلبند و جلو اشکال تراشی های برخی ماموران را بگیرند.

دولت باید محصولات روستائیان را به قیمت عادلانه و به سود دهقانان خریداری کند

در تاریخ ۵۹/۲/۲۴، تعدادی از دهقانان بیزار کارروستاهای اطراف کازرون، در مقابل استانداری فارس تجمع کردند و خواستار آن شدند که دولت محصولاتشان را به قیمت عادلانه خریداری کند. دلالت و واسطه ها روستائیان را اذیت و استثمار می کنند، برای نمونه: یکی از تجار میدان تره بار با امضاء قراردادی بایکی از دهقانان قول داده بود که بیازش را از قرار هر کیلو ۱۰ ریال خریداری کند، اما وقتی دهقان بیازکار محصول خود را بایک کامیون به حجره او می برد، تاجر مزبور از خرید آن خودداری می کند. در این حال، دهقانان، که محصول خود را در خطر نابودی می دیدند، با عصبانیت می خواستند باریک کامیون را در حیطه استانداری خالی کنند و بروند. یکی از آنان می گفت: "الان بیازهامان روی دست، مانده است و دولت هم از ما نمی خرد. به خارج هم نمی توانیم صادر کنیم."

دولت موظف است محصولات دهقانان را به قیمت عادلانه و به سود دهقانان تولید کننده و مصرف کنندگان زحمتکش شهری خریداری کند! برای پیشبرد این امر مسئولین میتوانند با ایجاد مراکز مختلف تعاونی های توزیع جهت خریداری محصولات دهقانان، به آنان یاری رسانند و در ضمن به موقع محصول کافی و با قیمت ارزان در اختیار توده های مصرف کننده قرار دهند.

دارد، ولی نماینده مالک به کاغذی اعتباری که مالک با حیل و عوام فریبی گرفته است، استناد می کند.

تنها با اجرای عادلانه قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب است که می توان به حیات بزرگ مالکان در روستاها خاتمه داد. این رالوصقان (بزرگ مالکان) که عوامل داخلی آمریکای غارتگر نیز هستند، می کوشند تا دهقانان زحمتکش را به انقلاب بدین سازند. با قطع ابدی مالکان از روستاها دهقانان را صاحب زمین کنند!

دهقانان کم زمین و بی زمین!

با تشکیل کمیته های خود و با تکیه به پاسداران متعهد و افراد سوز جهاد سازندگی، به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سرایت و بسود شما اجرا شود

«شاهد» و «سازش ابرقدرتها»

چنانکه دیدیم، «شاهد» ارگان جاسوسان آمریکا در ایران، نشر دروغهای بزرگ علیه کشور-های سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی را از وظایف مهم خویش می‌شمارد و برای بدبین ساختن توده‌ها و رهبران به سوسیالیسم، از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کند. «شاهد» می‌گوید تا به مردم و رهبران ملی بقولاند که مبارزه علیه سطره امپریالیستی بی‌فایده است، زیرا که با طرد سطره سرمایه‌داری و امپریالیسم، «بلائی بر مراتب فجع‌تر» در انتظار آنها خواهد بود و آن سوسیالیسم است، که متنتها فقر، بیکاری، گرسنگی، بیماری و تمامی دهشت‌های سرمایه‌داری را در خود دارد، بلکه مردم را به آسوی «برده» آهنگین «خواهد برد و از آزادی» که گویا در «جهان آزاد و متمدن» به وفور وجود دارد، نیز در آن خبری نخواهد بود!

اما واقعیات خلاف تبلیغات جاسوسان آمریکائی بود. اتحاد شوروی علیرغم دشواری-های بزرگ ناشی از جنگ خانمانسوز جهانی، با اتکا به فداکاری توده‌های مردم شوروی، روز بروز در عرصه داخلی به پیروزیهای بزرگتری دست می‌یافت و در عرصه خارجی به وظایف انترناسیونالیستی خویش در دفاع از جنبش‌های آزادیبخش و طبقه کارگر کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری جامه عمل می‌پوشاند. توده‌های محروم بی‌پاخاسته، که درگیر و دار نبرد خونین با سطره امپریالیستیهای جهان‌خوار بسر می‌برند، مشاهده می‌کنند که سیاست اتحاد شوروی، در همه زمینه‌ها، بکلی با سیاست غارتگرانه، سطره جو و متجاوز امپریالیستیهای آمریکائی و انگلیسی تفاوت دارد و در جهت تأمین استقلال آنها سر می‌کند. آنها هر روز در مورد هر سالهای که به سرنوشت جنبش ملی آنها و اهداف مترقی آنها مربوط می‌شود، اتحاد شوروی را در کنار خود و امپریالیستیهای آمریکائی و انگلیسی را در مقابل خود می‌یافتند. دکتر مصدق خود به تجربه این واقعیت را دریافت و آنرا چنین بیان کرد:

«چنانکه در گذشته دیدم، تردید ندارم که اگر اتحاد جماهیر شوروی از صحنه سیاست بین‌المللی غایب شود، برای ما در هوای آزاد هم تنفس دشوار است.»
«من رنجانیدن و عصیان کردن همسایگان، بخصوص همسایه شمالی را، که در روزهای تاریک خدمات بزرگی به استقلال ما کرده است، بزرگترین خیانت میدانم.»

(نقل از «سیاست موازنه منعی»، حسن اکی استوان)
اتحاد شوروی در دوران جنبش ملی ایران همواره بزرگترین پشتیبان و حامی ملی باقی ماند. در قبال تحریکات امپریالیسم آمریکا و انگلیس در عرصه جهانی علیه ایران، از جنبش ملی ایران دفاع کرد و آمادگی کامل خود را برای هرگونه کمک و یاری به دولت دکتر مصدق، اعلام نمود. اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، در زمانیکه امپریالیستها برای خفه کردن جنبش ملی، ایران را محاصره اقتصادی کرده و نفت ایران را تحریم کرده بودند، آمادگی کامل خود را برای گسترش روابط برابر حقوق اقتصادی با ایران اعلام کرد. در بحث شورای امنیت راجع به ملی شدن نفت ایران، تنها اتحاد شوروی بطور قاطع با قطعنامه پیشنهادی انگلیس مخالفت کرد و مانع از تصویب آن گردید. اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی، در زمان تحریم نفت ایران، تنها کسانی بودند که خواستار خرید نفت ایران شدند...

بازرگانی خارجی ایران با اتحاد شوروی در سال ۱۳۲۲، ۷۷۹ میلیون ریال بود ایران فرونی داشت. در حالیکه در سالهای ۳۲-۳۱، توازن بازرگانی خارجی ایران با آمریکا، ۱۸۵۰ میلیون ریال به زیان ایران کسری داشت...

مصدق متأسفانه دست دوستی اتحاد شوروی را، که بیدریغ سوسی او دراز شده بود، نفترد، جنبش ملی ایران را از کمک کشورهای سوسیالیستی محروم نگاه داشت و بالنتیجه ناخواسته به شکست آن کمک کرد. علیرغم پیشنهادهای مکرر کشورهای سوسیالیستی برای خرید نفت ایران، دولت دکتر مصدق از فروش نفت به آنها امتناع کرد. دولت دکتر مصدق به «تعهدات» خود در قبال «کمک» آمریکا، که او را از فروش «کالاها» استراتژیک به کشورهای سوسیالیستی منع میکرد، وفادار ماند و بالنتیجه ناخواسته به مفرد ساختن جنبش ملی ایران باری رساند.

ولی توده‌های مردم، علیرغم تبلیغات گسترده «شاهد»ها علیه سوسیالیسم، واقعیت پشتیبانی بیدریغ کشورهای سوسیالیستی را از جنبش ملی ایران بوضوح میدیدند و درک میکردند. این امر بر جاسوسان آمریکائی سیار گران می‌آمد. بهمین جهت آنها مضمون دیگری در کنار تبلیغات خویش علیه سوسیالیسم بکار گرفتند و آن تبلیغ افسانه «سازش ابرقدرتها» بود.

«شاهد»ها که در واقع در این زمینه نیز باید آنها را سلف مائوئیستهای کنونی دانست، می‌گویند تا با استفاده از دروغهای بزرگ تبلیغاتی، وانمود کنند که گویا اتحاد شوروی و امپریالیستها، بویژه امپریالیسم انگلیس، علیه جنبش ملی ایران سازش کرده‌اند و قصد تقسیم ایران را دارند. آنها با ترویج این دروغ دو هدف را تعقیب می‌کنند: نخست آنکه با استفاده از سابقه ذهنی توده‌های مردم نسبت به توطئه تقسیم ایران بین روسیه تزاری و امپریالیسم انگلیس در سال ۱۹۰۷، و زنده کردن این اندیشه وانمود کنند که اتحاد شوروی و روسیه تزاری، تفاوتی ندارند و اتحاد شوروی همان سیاستهای تجاوز گرانه و ضد خلقی روسیه تزاری را ادامه میدهد. دوم آنکه با قرار دادن امپریالیسم انگلیس در کنار اتحاد شوروی، تفاوت ماهوی میان آن‌دو را در ذهن مردم از میان ببرند و وانمود کنند که اتحاد شوروی نیز همچون انگلیس خصم مردم ایران است و چشم طمع به ثروتهای ملی ایران دوخته است.

در تبلیغات «شاهد»، برخلاف «شاهد»های امروزی، از «حمله» به امپریالیسم آمریکا، کمتر خبری هست، علت آنستکه در جنبش ملی امروز ایران، فقط و فقط حزب توده ایران بود که ماهیت امپریالیسم آمریکا را شناخته بود و آنرا بعنوان دشمن تازه نفس و غدار مردم معرفی میکرد. اما در مورد امپریالیسم انگلیس وضع چنین نبود و توده‌های مردم از این امپریالیسم تنفر بسیار داشتند و بواسطه دهها سال تسلط غارتگرانه و جنایتکارانه آن بر حیات مردم ایران و از آنجا که نفت ایران به تمامی در اختیار شرکت نفت انگلیس بود، آنرا بخوبی می‌شناختند و بدرستی آنرا دشمن بزرگ خود می‌دانستند. جاسوسان آمریکائی، که سیاست «شاهد»ها را تعیین میکردند، برای بدبین ساختن توده‌های مردم نسبت به اتحاد شوروی هیچ نیازی نداشتند که پای امپریالیسم آمریکا را به میان بیاورند، زیرا حتی رهبران ملی جنبش ایران نیز امپریالیسم آمریکا را دشمن جنبش ملی ایران نمی‌دانستند و تا مدت‌زیادی حتی به باری آن در پیروزی



نقل از «شاهد»، ۷ مرداد ۱۳۲۲

این جنبش امید بسته بودند! دکتر مصدق در ۵ تیر ماه ۱۳۳۰، در پیامی به ترومن، رئیس جمهور وقت آمریکا، این دولت امپریالیستی را «طرفدار جدی آزادی و حاکمیت ملل» می‌نامید و در ۲۰ تیر خطاب به ترومن می‌نوشت: «از توجه آنجناب که نسبت به مصالح ایران، همواره ابراز فرموده‌اید، تشکر می‌کنم. چنان که در پیام سابق معروف داشتم، دولت و ملت ایران، دولت و ملت آمریکا را طرفدار آزادی ملل و حق و عدالت می‌شناسد!»

بنابراین «شاهد»، با تبلیغ افسانه «سازش» اتحاد شوروی و انگلیس، نه تنها دو هدف قبلی را تعقیب میکرد، بلکه امپریالیسم جنایتکار آمریکا را نیز از صحنه خارج میکرد و آنرا در قبال اتحاد شوروی و انگلیس، دوست مردم ایران وانمود می‌ساخت!

«شاهد»، از مذاکرات عادی بازرگانی میان دولت ایران و اتحاد شوروی، جنجال عظیمی آفرید و وانمود کرد که در پشت این مذاکرات مساله تقسیم ایران و «احیای قرارداد ۱۹۰۷»، پنهان شده است! («شاهد»، ۳۰ مرداد ۱۳۲۹ و شماره‌های بعد) «شاهد» در ۲۳ بهمن ۱۳۳۱، بار دیگر از «تقسیم ایران میان شوروی و انگلیس»، که توسط سفیر سابق آمریکا در پرتغال (!) مطرح شده بود، سخن به میان آورد و پرسید: «آیا دولتین شوروی و انگلیس، مجدداً (!) به یکدیگر نزدیک شده‌اند؟» سفیر سابق آمریکا در پرتغال (!) گفته بود: «طرحی برای تقسیم ایران، میان دولت انگلیس و شوروی تهیه شده و بزودی بموقع اجرا درخواهد آمد و اجرای این نقشه نیز اجتناب ناپذیر است (!)»

«شاهد» سپس با حروف درشت، «اعلامیه سفارت کبرای آمریکا در تهران» را در باره «تقسیم ایران» چاپ کرده و از آن با حروف درشت نقل می‌کند که:

«سیاست آمریکا، همواره مبنی بر پشتیبانی از استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران بوده است! (چقدر به سناریوی تریز - مکزیکو، «خبر تمرکز نیروهای شوروی در مرزهای ایران» که توسط منابع آمریکائی منتشر گردید و سپس اظهارات برزیلینکی در مورد اینکه «سیاست آمریکا، همواره پشتیبانی از استقلال و تمامیت ارضی ایران بوده است»، شباهت دارد!)

«شاهد» می‌نوشت: «دولت آمریکا با انتشار این خبر خواسته است بدولتین مزبور (!)، بفهماند که دولت آمریکا از اسرار دوجانبه آنها با اطلاع است. یک منبع موثق (!) نیز اطلاع داده است که چنین مذاکراتی میان یک هیات انگلیسی که اخیراً به مسکو رفته، با مقامات شوروی وجود داشته است و گویا دولت شوروی و انگلیس که بعلت سیاست جدید دولت آمریکا در مورد چین، هر دو منافقان بخاطر افتاده (!)، متفقاً برای عقب نشاندن آمریکا در صحنه سیاست آمریکا در صحنه سیاست خاور میانه، می‌خواهند اقدام به تقسیم ایران نمایند! (!)»



نقل از «شاهد»، ۷ مرداد ۱۳۲۲

«شاهد» در تبلیغ افسانه «سازش ابرقدرتها»، هدف معینی را تعقیب می‌کردند (و می‌کنند). سندی که چندی پیش توسط آقای بنی صدر، رئیس‌جمهور، از زبان برزیلینکی طراح اصلی توطئه علیه انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران، انتشار یافت، این هدف را با وضوح کامل توضیح میدهد:

«لازم است جو سوطن و عدم اعتمادی را که بین ایران و همسایگانش وجود دارد، مورد بهره‌برداری قرار داد... پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی، خصوصاً توسط اتحاد جماهیر شوروی، حتماً به تضعیف مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد.»

در آنزمان، «شاهد»ها و دیگر نشریات و عوامل وابسته امپریالیستها، در دستیابی باین هدف شوم خود، موفق شدند. دولت ملی دکتر مصدق، با دست خویش، خود را از باری بیدریغ کشورهای سوسیالیستی و در رأس آنها اتحاد شوروی، محروم ساخت، به «جو سوطن و عدم اعتمادی»، که «شاهد»ها دامن می‌زدند، تسلیم شد و بدین ترتیب جنبش ملی ایران را بشدت تضعیف کرد و امکان داد تا امپریالیستها این جنبش جدا مانده را در هم بگویند.

«شاهد»های امروزی نیز هدفی جز آن را تعقیب نمی‌کنند. آنها می‌گویند تا باتوسل به همان شگردهای تبلیغاتی، اتحاد شوروی را با امپریالیسم آمریکا در یک ردیف قرار دهند، او در جنایتهای امپریالیسم آمریکا سهم وانمود سازند، تجاوزات و جنایات امپریالیست آمریکا را با تبلیغ دروغ «توسعه طلبی» اتحاد شوروی، موجه جلوه دهند و بالنتیجه، «جو سوطن و عدم اعتماد» را میان جمهوری اسلامی ایران و اتحاد شوروی، دامن زنند و جمهوری اسلامی ایران را از حمایت بیدریغ جامعه کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی، محروم کنند و آنرا بسرنوشت جنبش ملی ایران دچار سازند. متأسفانه بسیاری از نیروهای صادق، ولی ناآگاه، هم‌اکنون نیز به دروغ بزرگ «سازش

کارزار ایدئولوژیک و تبلیغی

ایرقدرتها، باور میکنند و ای بسا خود بدان دامن می‌زنند، امری که جز بسود دشمن اصلی انقلاب ایران، یعنی امپریالیسم آمریکا، تمام نمیشود.

«مصدق در دام کمونیسم!»
«شاهد»، برای بازداشتن مصدق از پیچیدن راهی که به منافع امپریالیستها، بویژه امپریالیسم آمریکا، لطمه وارد سازد و کشتادن او به راه سازش با امپریالیسم، مترسک «خطر کمونیسم» را که با وصله دروغهای بزرگ امپریالیستی ملبس کرده بود، در مقابل چشمان مردم و جبهه ملی منزلت و ناپایداری تکان میداد و از اینکه حزب توده ایران، اقدامات ضد امپریالیستی و مترقی آنها را تأیید میکرد و در این جهت دست اتحاد بسوی آنها دراز کرده بود، آنها را می‌ترساند و به وحشت می‌انداخت.

در دورانی که امپریالیستها، مصدق را «فرد نامطلوب»، تشخیص دادند و متحدان برای سرنگون ساختن وی توطئه میکردند، «شاهد» علاوه بر مضمون تبلیغاتی فوق، مضمون دیگری را نیز، که از ابتدا کمابیش آنرا علیه مصدق و رهبران جنبش ملی بکار می‌یست، با شدت وحدت تمام به میان آورد. در اینجا دیگر «شاهد» برای مصدق دلسوزی نمی‌کرد، آنرا از خطر کمونیسم نمی‌ترساند، «ضرورت نابود کردن توده‌های» و «رد کردن دست اتحاد آنها» را یادآور نمیشد، بلکه شخص او را «در دام کمونیستها» و «آلت دست آنها»!، «مدافع کمونیستها» و... میخواند!

بقای و دیگر جاسوسان آمریکا، به تأثیر مخرب اینگونه تبلیغات خویش واقف بودند. آنها خوب میدانستند که برخی از رهبران جبهه ملی برای آنکه مبادا آمریکائی‌ها به فکر خویش خطور دهند که آنها «کمونیست» هستند!، جلسات خود را - همان جلساتی که به تأسیس جبهه ملی منجر شد - با حضور جاسوسان آمریکائی تشکیل میدادند و برای مبارزه خویش از آنها رهنمود می‌طلبیدند!

احمد ملکی، جاسوس آمریکا و از موسسین جبهه ملی، در اینمورد می‌نویسد:
«سیاست‌های انگلیس و آمریکا، جبهه ملی را یک دسته افراطی چپ و متعادل به سیاست شمال میدانستند و چون طرز نگارش روزنامه‌های توده‌های حقیقت را بر ما مکتوف ساخته بود (!)، کمیسیون سیاسی جبهه ملی قرار شد تمامی باعمال سیاست خارجی گرفته و به هر دو طرف ثابت کند که این عده فقط یک جمعیت ملی است!»
(تاریخچه جبهه ملی، انتشارات روزنامه یومیه، ستاره، آذر ۱۳۲۲، صفحه ۱۹)

قدیم بجناب آقای دکتر محمد مصدق نخست‌وزیر ملی ایران مجری تصمیمات کمیته مرکزی حزب توده و بازی کنند نقش کرکسی در تاریخ ایران

اگر بلشویکها مسلط شوند

آنها که امروز خانه صاف کن حکومت بلشوی هستند به سر نوشت دکتر بنی تا و مارا بکشها و کرکسیها باندیدند و می‌که امروز ایران پیش آمده کرده است

ست و ست کی از او خارج قیلا استوار است حکومت کونیستی در چکوا کی صادر لغتانی که امروز از طرف هست سکه ایران ارام دستات مرطاب منحداد یاد روزهای می از اولاد که در روسیه تازه رسیده الهی بناد کرکسی و بروی کار آلفه بود

بیاد روز هائی می از اولاد که در چکوا کی و کرکسی بنشرو مارا بکشها با گونیستها اتلاف کرده بودند

دور دو مورد تاریخی که ذکر شد این تصمیمات که کرکسی و در روسیه بود و بنشرو مارا بکشها در چکوا کی، جایگاه اول دیگری داشته

مسولان است که پس از استوار رژیم

قطر يك هفته

شکر- طوس- صند- کمپوت- قتل پروانه- همس- هر کسی صبح تریز زیارتین جلالت خود بنه گندان هره بخوان جاوید جویاها و اصل رسیدگی قرار خواه

نقل از «شاهد»، ۱۵ خرداد ۱۳۲۲

در جلسهای دیگر که مصدق هم بود، موضوع ملاقاتان ما را با دوهر مستشار سفارت آمریکا، در میان گذاشتیم (دوهر، روزنامه نگاران جبهه ملی را کمونیست خوانده بودند) اینان ناراحت شده بودند که تصمیم گرفتند جلسات خود را با حضور جاسوسان آمریکائی برگزار کنند! (این صحبت شد که کشورهای غربی ما را کمونیست میدانند و این مانع از آنست که حکومتهای فاسد سرنگون شوند، زیرا مورد پشتیبانی غرب قرار می‌گیرند.) (همانجا، صفحه ۵۷)

یک تبلیغاتی امپریالیسم

درس هایی از تاریخ (۶)

توجه کلیه مبارزان ضد امپریالیسم به ویژه مسلمانان صدیق ضد امپریالیسم را به این سلسله مقالات جلب می کنیم



نقل از "شاهد" ۲۰ اردیبهشت ۱۳۳۲

نتیجه: شب اول آقایان ویلز مستشار سفارت آمریکا و آقای دبیر آتاش مطبوعاتی سفارت بوجیب دعوت آقای دکتر فاطمی، حضور پیدا کردند. اعضای کمیسیون مطبوعات و تبلیغات و سیاسی جبهه ملی حضور داشتند... همان شب قرار شد این جلسات دوستانه، هفتای یکبار ادامه یافته ولی هر شب در منزل یک نفر باشد. جلسه بعد در منزل آقای ویلز حضور یافتند... جلسه بعد منزل آقای دبیر، شبی هم در خانه آقای دکتر گزنی (مترجم سفارت آمریکا) ... تشکیل شد. جلسات بعدی در باغ صبا، منزل میراشرافی مدیر روزنامه آتش تشکیل میشد... در اثر این رفت و آمدها که توهم این که جبهه ملی کمونیست است یا تودهای است، بگلی از دماغ خارجیان، که در آن وقت در دستگاه دولتی بسیار موثر بودند، خارج گردید!

(همانجا، صفحات ۱۰۷-۱۰۵)
"جبهه ملی بخلط و دروغ وابسته به حزب توده معرفی شده بود. تاس افراد جبهه ملی با آمریکائیان و انگلیسهای مانند مستر پامین، کنل پای بوس و مستر فیلیپ پرایس، این شایعه را بگلی از میان برد!"

(همانجا، صفحه ۱۰۸)
اگر توجه کنیم که دکتر مصدق حتی تا آخرین ماههای حکومت خویش امیدوار بود که منافدیان "جهان آزاد" یا امپریالیستهای آمریکایی به او در مبارزاتش برای "سرنگون ساختن حکومتهای فاسد" یاری رسانند، اگر توجه کنیم که دکتر مصدق حتی تا آخرین لحظات عمر حکومت خویش دست اتحاد حزب توده ایران را رد کرد و با تحریکات علیه حزب توده ایران، با بی توجهی رویو شد، و باز اگر توجه کنیم که دکتر مصدق تنها پس از سقوط خویش دریافت که امپریالیستها و عمال آنها از ترویج افسانه "خطر کمونیسم"، چه مقصودی داشتند، به تاثیر مخرب اینگونه تبلیغات "شاهد"ها، که دکتر مصدق را "تحت نفوذ کمونیستها"، "هوادار کمونیستها" و... میخواند، واقف میشویم. خطا نخواهد بود اگر ادعا کنیم که در مورد دکتر مصدق، با آن بنیاد فکری، هر کدام از این تبلیغات تاثیر کمتری از زخمه خنجر نداشته، او را کمتر مرتش و فلج نمیساخته و بر اعمال او تاثیر مستقیم کمتری نداشته است.

"شاهد"، در شماره ۲۰ فروردین ۱۳۳۲ خود می نوشت:
"از هفته پیش طبق قرار و مداریکه بین مسئولین امور و سران خائن و بیگانه پرست حزب توده ایران انجام گرفت (!) پروتگاهی را که دانسته با ندانسته دولت بان نزدیک میشود، مشخص ساخت."
و در ۲۲ اردیبهشت خبر میداد:
"یک خبر موق (!) حاکی است که دولتتها قصد دارند به همراهی حزب توده و همکاری قوای مسلح شهربانی و فرمانداری و ستاد ارتش، بکروز معین (که گویا وقتش هم معین شده) بداخل

مجلس بریزند و اموال مجلس را غارت کنند و احیاناً یکی دو نفر از مخالفین دولت را ترور کنند!"

"شاهد" در شماره ۳۱ اردیبهشت همان سال، دکتر مصدق را تلویحاً "عامل شوروی" میخواند و می نویسد:
"آقای دکتر مصدق (باید بهانه بگیرند، جنجال بکنند، پرونده سازی بکنند، دزدان و مدال داران را بجای پایه گذاران نهضت در اطراف خود جمع کنند و بالاخره غارتگران و هیئت حاکمه را از تعرض غارت شدگان مصون بدارند، دکتر بقالیها را از بین ببرند تا بتوانند حکومت کنند، بتوانند مردم امیر ایران را بیشتر، شدیدتر و وحشیانه تر غارت کنند و نوعی از ملی شدن صنعت نفت را به میل "اریاب" یا اربابان سرانجام بخشند!"

"شاهد" روز دیگر ضمن دشنامهای غلاظ و شداد به مصدق، می نوشت:
"آقای دکتر مصدق، برای حفظ منافع طبقاتی خود، ناگزیر است که دست بدمان حزب منفور توده زده و با کمک جاسوسان اجنبی، از نهضت کشاورزان ایران جلوگیری کند و تنها پایگاه ملی کشاورزان را بنفع خرابکاران و بیگانه پرستان، اشغال نظامی نماید."

(۱۷ خرداد ۳۲)
"مصدق دانسته یا ندانسته مجری نیات پلید و شوم خائسانه باند (تودهای نفتی دلار!) شده و در راس جنایتکاران قرار گرفته است!"
"شاهد، ۲۶ خرداد"

"دکتر مصدق و پاران جنایتکارش بدانند ما تا زنده هستیم، اجازه نخواهیم داد استقلال و موجودیت ایران، در اثر همکاری شما با حزب توده که در نوکری آنها به گرمین تردیدی نداریم، بواسطه ادامه دادن چند روز به حکومت، از بین برود."
(شاهد، ۲۲ تیر ۳۲)

"طرفداران دولت فطلی غیر از چند تاجر ورشکسته... و تودهایها که برای تضعیف مشروطیت و تهیه زمینه الحاق به توده آهین، به دولت جناب دکتر مصدق کمک می کنند، کس دیگری نیست."

(شاهد، ۵ مرداد)
"ما از مدتی پیش که به ماهیت ضد ملی عملیات دولت مصدق، واقف شدیم... نقاب پر مکر و فریب این دولت خائن را برداشته و نقشه شوم آنها که دیکته شده استعمارگران بوده، برملا نمودیم."

دولت دکتر مصدق برای متلاشی ساختن استقلال و حاکمیت ملی ما قدم بدمان امپال شیطانی بیگانگان را تعقیب کرده و قدرتهای ملی را یکی کپساز دیگری منکوب ساخته است... که استعمارگران سرخ و سیاه بعهد دولت مصدق گذاشته بودند.
دکتر مصدق تاکنون در انجام این وظایف شوم، حقیقتاً خود را نسبت به اجانب و باند خیانتکار آنان، "صادق" و "مصدق" نشان داد و

موضوع تقسیم ایران میان شوروی و انگلیس چرا مجدداً مطرح شده است

نظر دولت آمریکا از انتشار ناگهانی این خبر چیست
آید اولین شوروی و انگلیس مجدداً یکدیگر نزدیک شده اند؟
معه در روزنامه نیویورک تایمز آمده که دولت آمریکا خبر تقسیم ایران را در روزنامه نیویورک تایمز در ۱۰ مارس ۱۹۴۶ میلادی در مقاله ای تحت عنوان "موضوع تقسیم ایران" درج کرده است.
این خبر در روزنامه نیویورک تایمز در ۱۰ مارس ۱۹۴۶ میلادی در مقاله ای تحت عنوان "موضوع تقسیم ایران" درج کرده است.
این خبر در روزنامه نیویورک تایمز در ۱۰ مارس ۱۹۴۶ میلادی در مقاله ای تحت عنوان "موضوع تقسیم ایران" درج کرده است.



متن اعلامیه سفارت تکیبرای آمریکا در تهران درباره اظهارات سفیر کبیر سابق آمریکا در حیشه در مورد تقسیم ایران
سیاست آمریکا همواره مبنی بر پشتیبانی از استقلال سیاسی و تمامیت ارضی ایران بوده
نماد سیاسی از طرف آمریکا که بر آن ایران بصورت کره دوم درآید، بهیچوجه مقبول نیست

"شاهد"، ۲۳ بهمن ۱۳۳۱

چنان در راه انجام مقاصد خائمان برانداز آنان مجاهدت نمود که روی تمام نوکران اجانب و حکومتهای دست نشانده را در دنیا سفید نموده است.

... نگذارید که مزدوران روس و انگلیس برای تلافی شکستهایی که از نیروی لایزال شما خوردماند، بار دیگر بدست این پیر عوام فریب بر شما صلط شده و بغارت و چپاول ایران ادامه دهند!"

(شاهد، ۲۱ مرداد)
گزارش نخواهد بود اگر ادعا کنیم که همین تبلیغات، از صدها زنجیر برای بستن دست و پای دکتر مصدق موفق تر عمل کردند و قربانی را دست و پا بسته به کتاف امپریالیسم ددمنش آمریکا افکندند.

تمام نیروهای صدیق و انقلابی تاریخ و تمامی آنها که برای گسستن زنجیرهای اسارت و بندگی ملت های خود قیام کردند، حتی در کوچکترین گامهای مثبت خویش با کمونیستها همراه بوده اند، زیرا کمونیستها، پیگیرترین میهن دوستان، استقلال طلبان و آزادی خواهان تاریخند. عدم درک این مساله، ترس از همراهی با کمونیستها - که امپریالیستها تبلیغ می کنند - جز بسود اسارتگران و غارتگران تمام نمیشود.

مستافانه مصدق این واقعیت را بسی دیر دریافت.

غرض از ذکر ادله و شواهد فوق، که می توان هزارها برابر به آنها افزود، آشکار ساختن محتوی، مکانیسم و عملکرد واقعی کارزار تبلیغاتی امپریالیستی است. خواننده امروزی با یک نگاه سطحی به آن در خواهد یافت که بهیچوجه خود را با آنها، نا آشنا نمی بیند، زیرا همین مضامین، عیناً در پیش چشم او و حتی از زبان و قلم برخی از نیروهای صدیق انقلابی نیز علیه انقلاب ایران بکار میروند.

بیت تبلیغی در باره عمل همکاری صدیق با تودهایها
امراد پشتیبانی حزب توده از مصدق و مصدق از حزب توده
چرا مصدق قبل از اینکه دست گدائی بسوی آمریکا دراز نکند با حزب توده نزدیک شد؟
این بیت تبلیغی در باره عمل همکاری صدیق با تودهایها در روزنامه نیویورک تایمز در ۱۰ مارس ۱۹۴۶ میلادی در مقاله ای تحت عنوان "موضوع تقسیم ایران" درج شده است.
این بیت تبلیغی در باره عمل همکاری صدیق با تودهایها در روزنامه نیویورک تایمز در ۱۰ مارس ۱۹۴۶ میلادی در مقاله ای تحت عنوان "موضوع تقسیم ایران" درج شده است.

"شاهد"، ۲۱ مرداد ۱۳۳۲

حسن نیت، اگر با آگاهی به عملکرد شیطانی این کارزار جهانی همراه نشود، بهیچوجه نمی تواند فرد را از دام امپریالیسم و زیان زدن به آنچه بدان عشق می ورزد، مصون دارد. مصدقها و فاطمیها در تاریخ کم نبودماند، که در نهایت حسن نیت ناخواسته و نادانسته به تدارک وسائل نابودی جنبش ملت خویش یاری رساندند.
دام مکر دشمن بسی ظریفتر و گسترده تر از آنستکه بتوان بدون آگاهی دقیق بدان، از مهلکهها بسلامت جنت، بسی اندیشه های پاک و صادق، که بی آنکه خود بدانند، ناخواسته دام دشمن را می گسترند. آری، دشمن می تواند با اندیشه ما دستان ما را ببندد و با دستان ما، خنجر بر پیکر خود ما فرود آورد.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

کودک و روزنامه
بشویکم آزادی حکومت آذربایجان را بگور
شترانند برد
نیروی سوم بوسان خلیل ملکی راهم مخالف دولت میداند و
بات اشغال بجهه ارمان کار نمایان
پیش بسوی مسکو
ایست شمار دولتها - باختر امروزیان وزیر خارجه مصدق
السلطه هم تعریف می کند
بالاخره پس از سه روز سکوت
خبرهای کل گزری
مصلحت آمریکا
روزنامه های دولتی دربار ساریات
امیر و پیر بران حزب توده با یکدیگر
گرمت المراسلای سرودم را با یکدیگر
وسطه المراسلای کورستان ترتیبی
آن روزنامه حاجت پیورده سید
پیش بخودن در سو می باید اینها
ایست از سفارت دکتر فاطمی وزیر امور
عازجه و مستوری دولت مسن السلطه
توجه کند
نوعه و ای اخراج کارگران

نقل از "شاهد"، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۳۲

آنتی کمونیسم، چنین دام مهلکی است. "شاهد"ها را نیک بنگرید که چگونه زیر لوای "ناسیونالیسم" و "اسلام" و آیات قرآن، زیر لوای حمایت از روحانیت و دشنامگویی به "کفر والحاد" جنبش ملی ایران را به مسلخ بردند و بنگرید که چگونه تاریخ گذشته در پیش چشمان شما می گذرد، زیرا "شاهد"های امروزی، تحت لوای همان "ملیت پرستی"ها، "اسلام" خواهیها، تحت لوای همان لفاظیهای "انقلابی" نامابانه، میکوشند تا دیگر بار انقلاب ایران را خرد و نابود سازند.

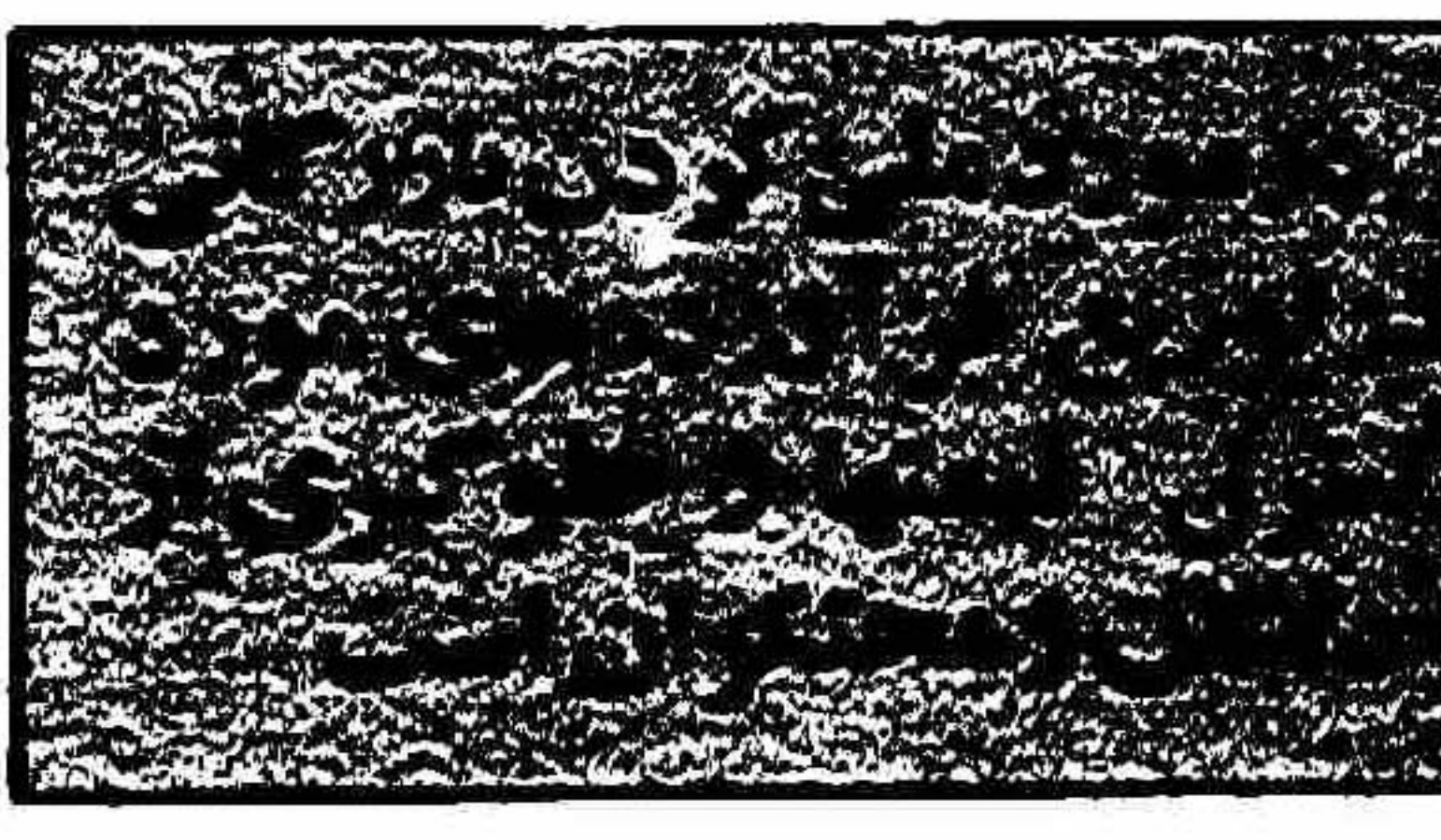


نقل از "شاهد"، ۵ خرداد ۱۳۳۲

کمونیستهای اصیل و راستین، که حزب توده ایران متشکل کننده آنانست، هر گام مسلمانان صدیق و انقلابی را به سوی آزادی و استقلال، می ستایند و تایید می کنند. کمونیستهای راستین، همچون همیشه، دست اتحاد ضد امپریالیستی خواهان، استقلال طلبان و میهن دوستان صدیق هستند. این نیز تجربه تاریخ است.

آینده کشور ما را جبهه متحدی از مسلمانان صدیق ضد امپریالیست و کمونیستهای اصیل خواهد ساخت. این هم ضرورت و منطق گریز ناپذیر تاریخ است.

بحث درباره کارزار ایدئولوژیک و تبلیغاتی امپریالیسم در دوران کنونی، در آینده ادامه خواهد یافت.



پنجاهمین سالگرد بنیانگذاری حزب کمونیست کلمبیا

کمونیستهای کلمبیا در روز ۲۶ تیر ۱۳۱۴ سال، پنجاهمین سالگرد بنیانگذاری حزب خود را بزرگداشتند. در این روز همه نیروهای ترقیخواه کلمبیایی همگی خود را با حزب طبقه کارگران کشور، که نیمسده پیش ادا مراه "حزب سوسیالیست انقلابی" (تاسیس: ۱۳۰۵) را بهعهده گرفت، تأیید کردند.

پنجاه سال پیش، با الهام از اندیشه های توان بخش انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، در کلمبیا حزب مارکسیست-لنینیستی بنیان یافت، که بدفاع از خواستهای توده های پروولتاریا در شهر و روستا بجا خاست، مبارزه علیه فرمانروایی سرما به خاری را آغاز و آنها را دویکا برای استقلال ملی کلمبیا را رهنا شد.

در حالیکه متجاوزان زنیم قرن پیش سپاه آزادی بخشی، زیر فرماندهی سیون بولیوار و سانتاندر، آخرین لشکر بزرگ ارتش استعماری اسپانیا را تارومار کرد، اینک حزب نوپای کمونیست های کلمبیا وظیفه دار شد که علیه وابستگی های جدید سرمایه داری بین المللی به مبارزه برخیزد.

بهترین فرزندان کلمبیا به مفسوف حزب کمونیست کلمبیا پیوستند و حزب بدین ترتیب، ۵۰ سال زندگی متلاطم و پیکار رتوفنده را علیه الیکارشی داخلی و مداخله خارجی آغاز کرد.

حزب کمونیست کلمبیا اینک میتواند بخودبیا لگد، با فداکاری و جان نثاری، همواره فقط معالجه زحمتکشان را پیش چشم داشته و بهمین دلیل نیز از زبوتسه آزمایش تاریخ سربلند و پیروز بیسترون آمده است. حزب کمونیست کلمبیا، با صفوف متحد و تجربه غنی تاریخی خویش، امروزه از نظریه مستحکم تئوریک، یکی از برجسته ترین احزاب کمونیست آمریکای جنوبی است.

در سال ۱۳۳۶، پس از سرنگونی رژیم دیکتاتور کوریا و وروخاس پینیلا، حزب کمونیست کلمبیا امکان آن را یافت که بعد از زده سال مبارزه مخفی، فعالیت علنی خود را از سرگیرد. یکسال بعد، کنگره هفتم حزب کمونیست تصمیم گرفت که حزب را به سازمانی با پیشاهنگ توده زحمتکشان توسعه دهد و بویژه در راه جلب حمایت دهقانان کوشا باشد. با پدید آمدن حزب کمونیست کلمبیا همواره از پشتیبانان بیکرمنافع دهقانان و کارگران روستایی بوده است، که در طول تاریخ با راه به مبارزه خونین بسا لاتیفوندیست ها بجا خاسته اند. در این زمینه میتوان، برای نمونه، از کشتار سیاه کارگران "یونایتد فروروت کمپانی" و اعدام خورخه لیسرکیان، قهرمان خلق کلمبیا نام برد.

کمونیستهای کلمبیا نخستین بار "فدراسیون سندیکا های زحمتکشان" آن کشور را بنیان نهادند. در برکت کوشش آنها برای تشکیل و اتحاد نیروهای دمکراتیک و خلقی بود که، پس از اعتبار عمومی سال ۱۳۵۶، "شورای ملی سندیکا ها"، مرکب از چهار سندیکا ی بزرگ کلمبیایی پدید آمد.

وحدت جنبش دانشجویی کلمبیا نیز یکی دیگر از دستاوردهای بزرگ حزب کمونیست کلمبیا است. فزون بر این، حزب کمونیست در باریا لمان و شورا های بسیاری از شهرها و روستا های کلمبیا دارای نماینده است. حزب کمونیست کلمبیا و دیگر متحدان آن در "اتحادیه ملی مخالفان" اشتراک کرده اند، نزدیک به سی سال است که کبیرتو ویدشیرا، سمت دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست کلمبیا را بهعهده دارد. در دوران رهبری این شخصیت برجسته جنبش بین المللی کمونیستی، پیشاهنگ پروولتاریا کلمبیا به دستاوردهای درخشان دست یافته است. در این سالها، حزب خویش را به برنامه های علمی مجهز ساخت، اصول سازماندهی لنینی را در زندگی و فعالیت حزبی جا م عمل پوشاند و تاکتیک های خویش را هر چه بیشتر بر پایه های انقلابی بنا نهاد. بدین ترتیب، حزب کمونیست کلمبیا توانست سیستم دو حزبی سنتی را، که فقط لیبرالیسم و معا فقه کاران در آن جای داشتند، درهم شکند و به حزبی متفرد و معتبر بدل گردد. چندی پیش کبیرتو ویدشیرا، در آستانه پنجاهمین سالگرد تأسیس حزب، اعلام کرد که بزودی کنگره سیزدهم حزب کمونیست کلمبیا فرا خوانده خواهد شد. مهم ترین وظیفه این کنگره آن خواهد بود که وحدت عمل طبقه کارگران گسترش بخشد و شرایط تبدیل "جبهه دمکراتیک" را، که چند ماه پیش تشکیل شد، به یک جبهه وسیع فدا خیزی و مدافع شستی فراهم آورد. حزب می کوشد تا در مبارزه علیه



بزرگداشت روز تاریخی ۲۳ تیر در شهرستان مسجد سلیمان

... ما از همه نیروهای صدیق ضد امپریالیست می خواهیم که از جدایی ها بپرهیزند و به ندای امام خمینی لبیک گویند که فریاد برآورد: با هم باشیم، اما ده باشیم، اما ده باشیم، ملت باید آماده باشد برای این اموری که دارا ردهایش می آید...

بمناسبت بزرگداشت حماسه ۲۳ تیر ماه ۱۳۲۸، مراسمی در تاریخ ۲۳ تیر ماه در دفتر حزب توده ایران در شهرستان مسجد سلیمان برگزار شد. در این مراسم، که عده کثیری از اعضاء و هواداران حزب توده ایران شرکت داشتند، پس از اعلام برنام و یک دقیقه سکوت به احترام شهدا، سرود حزب توده ایران پیش شد. آنگاه یکی از رفقا پیام سازمان حزب توده ایران در شهرستان مسجد سلیمان را قرائت کرد. در این پیام ضمن تجلیل از خاطره شهدای ۲۳ تیر و مبارزات قهرمانانه کارگران صنعت نفت، با توجه به شرایط کنونی کشور و تشنه ت تبه کاران کلمبیا، امپریالیسم آمریکا و فدا انقلاب داخلی، با تسکین بر ضرورت وحدت تمام نیروهای ضد امپریالیست و خلقی از جمله گفته شد:

اخبار کارگری

بخواست بحق کارگران شهرداری مسجد سلیمان در تأمین کار پاستخ مثبت دهید

شهرداری مسجد سلیمان با صدور بخشنامه ای در تیرماه گذشته به کارکنان جدید خود (بیش از هزار کارگر و صد کارمندی که بهداز انقلاب مشغول کار شده اند) ابلاغ کرده است تا از مردادماه دنبال کار دیگری برای خود باشند، چون شهرداری قصد دارد بخشی از کارهای عمران شهری خود، از قبیل بل و جاده سازی را به مرکز گسترش شهرستان بسپارد.

شهرداری مسجد سلیمان، که تاکنون بصورت قاطع از عناصر طاغوتی و ضد انقلاب پاکسازی نشده و دارای مدیریت صحیح و برنامه مشخصی نیست، بخشهایی از فعالیت عمران شهری را به مرکز گسترش سپرده است. با توجه به اینکه تجربه نشان داده که انجام این قبیل کارها از جانب مرکز گسترش موفقیت چندان نداشته و عملاً این مرکز قادر به جذب و تشکیل گروه های جدید نیست؛ اولاً این بخش از فعالیت های عمران شهری را به تعطیل خواهد کشاند و از رفاه عمومی شهر خواهد کست، و ثانیاً و مهمتر اینکه، خطر بیکاری و سرگردانی کارکنان جدید شهرداری را، که بیش از هزار و دویست نفرند، تهدید می کند.

اکنون در ارتباط با همین موضوع، کارگران چهار تن از نمایندگان خود را برای مذاکره و حل این مشکل به تهران فرستاده اند. مقامات مسئول موظفند بخواست بحق کارگران برای تأمین کار توجیه جدی کنند و با عویشاری تمام، در شرایط حساس کنونی کشور، زمینه عزز گونه سوءاستفاده را از ضد انقلاب و عناصر چپ نما، که در پی فرصت اند تا کارگران را به تحمیل کشاند و اکنون تشنج و تارامی در شهر بوجود آورند، بگیرند.

مشکل شهرداری مسجد سلیمان را تنها از طریق پاکسازی قاطع عناصر طاغوتی و ضد انقلاب، تعیین مدیریت لایق و تنظیم و اجرای برنامه و طرح مشخص برای فعالیت های عمرانی شهر میتوان حل کرد، در غیر این صورت مرکز گسترش قادر به انجام وظایف نخواهد بود.

کمبود سیمان در فارس

مدتی است که سیمان در استان فارس کمیاب است. فرمانداری شیراز ناگزیر برای کسانی که احتیاج به سیمان دارند، حواله صادر می کند. کمبود سیمان در شیراز به کار تولید در کارگاه های بلوک زنی لطمه وارد ساخته است. (در شیراز بیش از ۱۰۰ کارگاه بلوک زنی وجود دارد). علت کمبود سیمان در شیراز احتکار سیمان توسط واسطه ها است.

«واسطه ها با احتکار سیمان قیمت آنرا گران می کنند و از این راه سودهای کلان می برند. تولید مابعد کمبود سیمان کم شده است به این طریق دیگر نمی توانیم کارگاه خود را اداره کنیم.»

باتوجه به این که در هر یک از کارگاه های بلوک زنی با احتساب کارفرما ۵۰۰۰ ریال تفرک می کند، کمبود سیمان علاوه بر زیان های معموله، که از جمله متوقف ماندن طرح های مختلف ساختمانی است، به بیکار شدن بسیاری از این کارگران (در کارگاه های بلوک زنی) منجر خواهد شد.

ناگفته پیداست که در شرایط کنونی بیکار شدن بخش دیگری از کارگران شاغل و رها شدن آنها در کارگاه های و سرگردانی، خانواده های بسیاری را با مشکلات لاینحل روبرو خواهد کرد. ما از مسئولین امر می خواهیم که در اسرع وقت با بیکاری ریشه های این کمبود را کشف کنند و با خشی کردن این تصفیه از تأثیر عوارض سوء آن جلوگیری کنند.

راستگرایان افراطی نظامی، فزون بر نیروهای چپ، قشرهای میانه و بخش گسترده ای از بورژوازی غیرانحصاری را نیز به این جبهه بیکار بکشاند.

ویدشیرا، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست کلمبیا، چندی پیش در بوگوتا، نگرانی خود را از دسیسه های فاشیستی و تروریستی راستگرایان، که کمونیستها نیز باریا قربانی آنها شده اند، ابراز داشت و افزود: "ما با پدیده هایی که در شیلی و اروگوئه به شکست انجامید، به مبارزه خواهیم پرداخت."

حزب توده ایران پنجاهمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست کلمبیا را به حزب برای درصمیمانه شش می گوید و پیروزی های بیشتر کمونیستهای کلمبیا را در مبارزه علیه امپریالیسم، ارتجاع و فاشیسم و در راه بهروزی زحمتکشان و پیشرفت اجتماعی خواستار است.

در جهان سوسیالیسم

استراحت زحمتکشان در جمهوری دمکراتیک آلمان

در جمهوری دمکراتیک آلمان، شماره روزهای تعطیل از ۷۶، در سال ۱۳۳۸ به حد اقل ۱۲۸ در سال ۱۳۵۸ افزایش یافت. این ارقام "روزهای موسوم به خاتمه داری" را شامل نمی شود. در سال ۱۳۵۷، ۱/۷ میلیون نفر زحمتکش و خاتمه آنها تعطیلات خود را در استراحتگاه های "فدراسیون سندیکا های آزاد آلمان" گذراندند علاوه بر این، ۱/۲ میلیون نفر را تعطیلات را در استراحتگاه ها و ۱/۱ میلیون نفر در اردو ها - مخصوص کارخانه ها و ویلگاها بسر بردند. در این زمینه، بویژه افزایش خاتمه ها بی، که پیش از دوفزنده دارند، از ۱۱۶۲۲۷ نفر در سال ۱۳۵۱ به ۲۷۵۴۹ نفر در سال ۱۳۵۷، چشمگیر بوده است.

با تأویمی شوم، که بزرگسالی لایبی که تعطیلات خود را در استراحتگاه های سندیکا می گذرانند، بطور میانگین فقط ۳۲ درصد مخارج مربوطه را متحمل می شوند و کودکان، با ۳۰ مارک کمتر از ۱۵ درصد!

در جهان سرمایه داری

پیامد تبعیض نژادی در ترکیب بیکاران

تبعیض اقلیت های نژادی در کشورهای سرمایه داری عمیق در شماره بیکاران این کشورها نمایان می شود. برای نمونه، در صد کارگران «غیر سفید» در ایالات متحده آمریکا، یعنی بویژه آفریقایی - آمریکایی ها، بونرتور بیکاری ها، آمریکایی های مکزیکی الاصل و سرخپوستان، بمراتب بالاتر از رقم مشابه برای «سفیدپوست» است.

جدول زیر اطلاعات بیشتری در این زمینه بدست می دهد:

درصد بیکاران ایالات متحده آمریکا

سال	مجموع	برای «سفیدپوست»	برای «غیر سفیدپوست»
۱۳۵۵	۷/۷	۷/۰	۱۳/۱
۱۳۵۶	۷/۰	۶/۲	۱۳/۱
۱۳۵۷	۶/۰	۵/۲	۱۱/۹
۱۳۵۸			
(بهار) ۱۳۵۸	۵/۸	۵/۰	۱۱/۶

حل مشکل کارگران نساج قائم شهر به کجا کشید؟

مسکن یکی از مضطربت بزرگ اجتماع است. کارگران کارخانجات نساجی مازندران - شماره ۳۰۲ - نیز با این مشکل دست به گریبانند. این کارگران سالهاست که خواستار حل مشکل مسکن بوده هستند.

در پاسخ به این خواست اساسی کارگران، رئیس کارخانجات نساجی مازندران بخشنامه ای صادر کرد. در این بخشنامه از جمله خطاب به کارگران آمده است:

"اکنون مسئله مهمی که هر روز و هر دقیقه به آن فکرمی کنم این است که، آن دسته از همکاران عزیز که فاقد منزل مسکونی هستند، صاحب خانه شوند. این امر عملی نیست مگر با تشکیل سازمان تعاونی مسکن."

در اجرای این بخشنامه، در اواخر سال گذشته جلساتی با حضور ریاست کارخانه ها و با شرکت کارگران تشکیل گردید. در این جلسات قرارداد که کارگران ابتدا شرکت تعاونی مسکن تشکیل دهند و نمایندگان خود را انتخاب کنند، تا کارخانمزمین های خود را در اختیار کارگران فراهم می آورد، تسهیلاتی که کارخانه برای کارگران فراهم می آورد، مثل استخدام مهندس ساختمانی، گرفتن وام از بانک رفاه کارگران و تهیه و سابل ساختمانی لازم و... کارخانه سازی برای کارگران آغاز گردد.

کارگران اقدام به ثبت نام جهت مسکن کردند ولی اکنون که نزدیک به ۶ ماه از تاریخ صدور بخشنامه می گذرد، متأسفانه هنوز اجرای طرح حل مشکل مسکن کارگران در حد حرف باقی مانده است.

کارگران بحق انتظار دارند که بدانند طرح ها و وعده های مسئولین کارخانه در رابطه با حل مشکل مسکن، که یکی از مشکلات اساسی کارگران است، به کجا کشیده است؟

تأمین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است
تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیکایی) ضرورت انقلاب ایران است

میلیونها نفر در راه پیمائی پر شکوه روز قدس علیه امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم، شرکت کردند

دیروز روز قدس بود. روزی که در آن با ردیگر خبا نهای شهرها و روستاهای میهنمان شاه دروزه پر شکوه گردانهای میلیونی دلبرو رزمنده خلق بودند. دلبرانی که با آراهای پولادین و در صفوف متحد خود، در مقابل امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا را جهان خوار به مبارزه ای سرخستانه و آشتینا پذیر بر خاسته اند. دلبرانی که در قریب دهای رعادتاری خود کینه و نفرت عمیق به دشمنان خلق هساو عشق و علاقه آتشین به مبارزات حق طلبانه ملل ستمدیده جهان و از جمله خلق عرب فلسطین علیه امپریالیسم و صهیونیسم را آوا میدهند.

دیروز مردم قهرمان ماضی اسلام حمایت برادرانه و صادقانه خود از ملت قهرمان فلسطین که با جنایتکاران اسرائیلی و آمریکایی درگیر نبرد نا برابری است، با ردیگر به امپریالیسم آمریکا و متحدینش نشان دادند که تلاش امپریالیسم برای احیاء منافع از دست رفته خود در جهان با اتحاد مستحکم صفوف خلقها روبروست. آنها نشان دادند که هر لحظه آماده اند تا تمام و جانهای با سخ تجا وزات، تحریکات و توطئه های روز افزون جنایتکاران آمریکا را بدهند و با تمام قوا از انقلاب امپریالیستی و خلقی ایران که تحت رهبری آشتینا پذیر قاطع امام خمینی روز به روز عمق و گسترش بیشتری می یابد به دفاع برخیزند.

دیروز اعضا، هواداران و دوستداران حزب توده ایران نیز بدعوت دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران دو شاوش دیگر مردم فعالان در راه پیمایی روز قدس شرکت کردند.

تهران ما نندسا بر شهرستانها میعاد. گاه مبارزان دلبران ایران میعاد. میلیونها نفر از مردم گروه گروه در مسیرهای دهگانه ای که از طرف ستاد برگزاری روز قدس اعلام شده بود بسوی دانشگاه تهران روانه شدند.

دیروز مردم قهرمان ماضی اسلام حمایت برادرانه و صادقانه خود از ملت قهرمان فلسطین که با جنایتکاران اسرائیلی و آمریکایی درگیر نبرد نا برابری است، با ردیگر به امپریالیسم آمریکا و متحدینش نشان دادند که تلاش امپریالیسم برای احیاء منافع از دست رفته خود در جهان با اتحاد مستحکم صفوف خلقها روبروست. آنها نشان دادند که هر لحظه آماده اند تا تمام و جانهای با سخ تجا وزات، تحریکات و توطئه های روز افزون جنایتکاران آمریکا را بدهند و با تمام قوا از انقلاب امپریالیستی و خلقی ایران که تحت رهبری آشتینا پذیر قاطع امام خمینی روز به روز عمق و گسترش بیشتری می یابد به دفاع برخیزند.

تهران ما نندسا بر شهرستانها میعاد. گاه مبارزان دلبران ایران میعاد. میلیونها نفر از مردم گروه گروه در مسیرهای دهگانه ای که از طرف ستاد برگزاری روز قدس اعلام شده بود بسوی دانشگاه تهران روانه شدند.

تهران ما نندسا بر شهرستانها میعاد. گاه مبارزان دلبران ایران میعاد. میلیونها نفر از مردم گروه گروه در مسیرهای دهگانه ای که از طرف ستاد برگزاری روز قدس اعلام شده بود بسوی دانشگاه تهران روانه شدند.

تهران ما نندسا بر شهرستانها میعاد. گاه مبارزان دلبران ایران میعاد. میلیونها نفر از مردم گروه گروه در مسیرهای دهگانه ای که از طرف ستاد برگزاری روز قدس اعلام شده بود بسوی دانشگاه تهران روانه شدند.

دهقانان کیلان و مازندران را دریابید!

میکند که سازمانهای دولتی، از وزارت کتا ورزی گرفته تا دیگر ادارات و همچنین نهادهای انقلابی، از چها دسا زندگی گرفته تا سپاه پاسداران، به داد آبان برستند و با دادن وام کم بهره و کمکهای مالی بلاعوض به آنان، زندگی دهقانان و کشاورزی سال آینده را نجات دهند.

دهقانان عزیز! با تشکیل اتحادیه ها و برگزیدن نمایندگان، به مراجع دولتی و نهادهای انقلابی رجوع کنید و دشواریهای خود را با آنان در میان بگذارید. میزان خسارت مالی و انداز زمینها به کمکهای نقدی و مالی خود را به سازمانهای دولتی و نهادهای انقلابی اطلاع بدهید و از آنان بخواهید تا شما را یاری دهند. چشم امید قضا را بران به شماست. استقامت کنید و تولید کتا ورزی را کسه موردنیا زانقلاب است، رها نکنید. از مسئولین امور که متعهد و مومن به انقلاب باشند و از نهادهای انقلابی کمک بگیریید.

حدود سه ماه است که دربارهای از قسمت های زراعی کیلان و مازندران باران نباریده و لیزا رها و بیجا رها یا سوخته یا در حال سوختن است. همه تلاش دهقانان کم زمین و خرده پای کیلان و مازندران برای اجرای حکم امام بگا رفته است. آنها همه زمینهای را که می توانستند، کاشته اند، ولی حالا متاسفانه با قهر طبیعت مواجه شده و خشک سالی همه امیدهای آنان را بر بیا داده است. اینک چشم میدهند که مازندران کم کمکهای مالی دولت جمهوری اسلامی دوخته شده تا آنان را از گرفتاریهای موجود برها نند و زندگی خانوادشان را نجات دهد. در غیر این صورت بسیاری از خانوارهای روستایی به خیل مهاجران خواهند پیوست و نیروی تولیدی هزارها خانوار دهقان در روستاها از زمین خواهد رفت و در شهرها جمعیت معرف کننده افزایش خواهد یافت. دهقانان کیلان و مازندران جد طلب

در مرز افغانستان و پاکستان) مصاحبه کنید، مخابره کنید. در کابل که مخابره خورگزار می بود، فقط یک پشه امپریالیستی: نجیف بود! - خانمها آقایان! (از مجله آلمان دمکراتیک، ژوئن عکس بگیریید، اوینشیکل)



برای حفظ قانون اساسی...

بقیه از صفحه ۱
شعارهای تند می دهند و می روند گوشه ای را تسخیر می کنند و احساس وظیفه می کنند... در این حال ضد انقلاب سو استفاده می کند. (کیهان، ۱۵ مرداد)

این سخن دادستان کل کشور، که همان شب در مصاحبه ایشان با سیمای جمهوری اسلامی ایران نیز بر آن تاکید شد، ادامه مضمونی است که دادستان کل کشور در اعلامیه مورخ ۵ مرداد ماه آن را بیان کرده بود. این امر نشان می دهد که مسئولین جمهوری اسلامی ایران بدرستی بر حفظ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از دستبرد اعمال ضد انقلاب و زمینه سازان تحقق توطئه های شوم امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران، تاکید دارند و اعمال کسان را که ثمره خون ۷۰ هزار شهید انقلاب ایران را لگدمال می کنند و بی اعتبار می سازند، محکوم می کنند و مردود می شمارند.

اما حسنیت مسئولان جمهوری اسلامی ایران و پایبندی آنان به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هنوز به هیچ وجه برای آنکه این قانون از تعرض و بی اعتبار شدن مضمون بماند و لگدمال مشتی عمال امپریالیسم آمریکا و گروهی اوپاش و برخی عناصر ناآگاه نکرده، کافی نیست. حتی تصریح اعلامیه دادستان کل کشور مبنی بر محکوم کردن حمله به دفتار و مجازات مرتکبین آن نیز، برای آنکه خود این اعلامیه لگدمال همان عناصر نکرده، کافی نبوده است.

های نما زجمعه از جمله گفت:

"این غده چرکین سرطانی (اسرائیل) را امپریالیستها، دشمنان بزرگ بشریت در داخل وطن اسلامی و عربی ما کاشتند. امروز این غده رشد کرده است. ما به تفرقه دولتهای مسلمان شده است. شما ببینید، در میان دولتهایی که نام اسلام بر خود نهاده اند، هیچکدام از اینها را شما نمی توان نید نشان دهید که توانسته باشند وظایف اسلامی و انسانی و عربی بطور کامل در قبال مسئله فلسطین انجام وظیفه کرده باشند... عامل و پیا پیگاه امپریالیسم در این منطقه، اسرائیل

خائن است. صهیونیسم را ما بحساب یک مرام و یک مذهب نمی گذاریم... این یک مسلک فاشیستی سیاسی متجاوز است... یک ممت جنا پتکار ضد بشر در این منطقه (اسرائیل) جمع شده اند و جز نایب و جز نایب و جز نایب کاری ندارند. جز توطئه چینی بر علیه ملت ها و دولتهای انقلابی. امروز همه دشمنان ما دارند کمک می کنند... آنها یا یگانه توطئه گری آمریکا بند علیه ایران و انقلاب ایران در این منطقه... ما دولت را در این ما جراه ها شختم. دولت انگلیس نه. اینکه نمی شناختیم. اما ادعای پیا گارانه دولتهای اروپا همه ظاهرو واضح شد و توطئه های آنها برملا شد... من امروز اعلام می کنم که ما با مادگی های نظامی و تسلیحات و تجهیزات رزمی خود را هر روز قوی تر کنیم و کیفیت آنرا بالا ببریم. ما در مقابل خود مساله فلسطین را داریم. مساله تجا وزها و توطئه ها را داریم. ما مردم باید آماده باشیم. باید ما دگی های رزمی را پیدا کرد."

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

مغفوب بهم فشرده مردم که از نضباط مختلف تهران حرکت کرده بودند در دانشگاه تهران بهم پیوند خوردند. آنها با شعارهای خودنمادی و وحدت طلبی انقلاب ایران و فلسطین را در مبارزه مشترک این دو خلق



ویتنام کودتای آمریکا را در بولیوی محکوم می‌کند

در بیانیه مشترکی که از طرف "کمیته تفاهم و دوستی با خلق ما" و "کمیته صلح و ویتنام" انتشار یافت، سرکوبگری دولت نظامی کارسایا علیه مردم بولیوی محکوم می‌شود. این بیانیه با تأیید مردمی گسترده، در دو هفته گذشته بیش از ۳ هزار امضاء گردید. گذشته از آن، ۱۰ هزار امضاء نیز در بولیوی به زودان افتاده اند و می‌افزاید:

کارتر "قول" عمل نشده اش را تکرار میکند

پرزیدنت کارتر، در سخنرانی در روز چهارشنبه در نیویورک، "قول" داده که در صورتی که دوباره انتخاب گردد، میلیونها نفر را بکار نخواهد گذاشت. این، یکی از آخرین سخنرانی‌های کارتر پیش از تشکیل کنوانسیون حزب دمکرات برای انتخاب نامزد ریاست جمهوری آن حزب است، که چند روز دیگر برگزار خواهد شد. تذکر آنکه، جمعی کارتر چهره رسال پیش نیز در آستانه انتخاب به نامزدی ریاست جمهوری آمریکا "قول" داده بود که بیکاری را از زمین ببرد. اما در دوران ریاست جمهوری او، بیکاری بی اندازه گسترش یافت. بموجب گزارشهای رسمی، اینک ۱۸۰۰۰۰۰ آمریکایی بیکار هستند. بیکاری بویژه در میان اقلیت‌ها رواج دارد.

زحمتکشان ایتالیا

خواهان مبارزه با تروریسم هستند

در ایتالیا صدها هزار نفر از سراسر کشور در مراسم تشییع جنازه قربانی‌های رویداد بمب‌گذاری ایستگاه راه آهن بولونی شرکت کردند، که مسبب آن نشوفا شیت‌های ایتالیا بوده اند. در این حادثه، که روز شنبه گذشته بوقوع پیوست، در حدود ۸۰ نفر کشته و ۲۰۰ نفر مجروح شدند. سه سال زمان سندیکایی ایتالیا چند روز پیش زحمتکشان را به اعتصاب عمومی فراخواندند. اعضای آن از دولت خواستند که به تروریسم پایان بخشد.

پلیس فرانسه نشوفا شیتی ۲۲ ساله را بنام مارکو آفاتیکا تودرا رابطه بسا بمب‌گذاری بولونی در نیس دستگیر کرده است.

ایندیانگانندی

نقش کامپوچیا را در منطقه می‌تاید

خانم ایندیرا گاندی، نخست وزیر هندوستان، خواستار مبادله سفرا بسا کامپوچیا شده است. وی در پی می‌باشد بهر دولت انقلابی کامپوچیا، هنگ‌ما مرین، گفته است:

"کامپوچیا در تمامین شبات وکاهش تشنج در منطقه نقش بزرگی بازی می‌کند. هندوستان ماه گذشته دولت کامپوچیا را برسمیت شناخت."

بیکاری صدها ر فولادکار در آمریکا

نمایندگان "کنوانسیون فولادکاران" آمریکا در لوس آنجلس بشتیبا نی خود را از راه بهیما می‌که قرار است در واشنگتن برگزار رود در آن از دولت خواسته شود که کامپوچیا فوری برای مقابله با بیکاری بردارد، اعلام کرده اند.

بموجب گزارش‌های رسیده، اکنون بیش از صدها فولادکار در آمریکا بی‌بسی در جستجوی کارند.

اعتصاب فلسطینی‌های کرانه غربی رود اردن و دیدار سرعفات با نماینده بازار مشترک فلسطینی‌های کرانه غربی رود اردن، به نشانه اعتراض علیه خودسری وزور-گویی مقامهای اسرائیلی و همچنین اعتراض علیه تصمیم مبنی بر ملحق ساختن بخش شرقی عزمی بیت المقدس به اسرائیل، اعلام اعتصاب کرده اند.

با سرعفات در رهبر زمان آزادبخش فلسطین، در دیدار با دسورن تورن، نماینده بازار مشترک در بیروت گفت: "فلسطینیها دولت ملی خود را در هر

در جلسه مجلس گفته شد:

تأیید فرد مردم ایران زنده اند آمریکا در ایران جانی نخواهد داشت

در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، که به ریاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، روز پنجشنبه ۵/۱۶ تشکیل شد، یکی از نمایندگان گفت:

"امریکا می‌داند، تا فرد فرد مردم ایرانی و مسلمان و معتقد زنده اند، او در این کشور جایی نخواهد داشت."

پس از رسمیت یافتن جلسه با حضور ۱۸۰ نفر از نمایندگان (یعنی حداقل لازم) چند تن از نمایندگان بعنوان ناطق پیش از دستور سخن گفتند. ناطق اول، رضوی اردکانی، نماینده سیدان فارس بود. وی پس از بیاناتی درباره روز قدس و مسأله فلسطین به حوزه انتخابیه خود اشاره کرد و گفت:

"حوزه انتخابیه من یک منطقه عشایر نشین است. طبق اخبار و گزارشات تحریکاتی در ایلات و عشایر آن منطقه شروع شده و این توطئه است برای اینکه عشایر محروم را در برابر ملت قرار دهند. ولی عشایر غیرمیهن هیچگاه فریب تحریکات را نخواهند خورد."

پس از سخنان نماینده سیدان، کاظم موسوی بجنوردی، نماینده تهران، تذکر داد که مطرح کردن جنگ جنوب لبنان با فلسطینی‌ها برای تشدید روحیه ضد فلسطینی و منزوی کردن انقلاب اسلامی ایران است، چرا که یکی از مهمترین پشتیبانان انقلاب ایران فلسطینی‌ها هستند.

ناطق بعدی نماینده بروجرد بود، که درباره دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا و انگلستان و مسأله گرانی و مشکلات حوزه انتخابیه اش صحبت کرد و از جمله گفت:

"آزادی برادران و خواهران مسلمان ما از بند دولت جنایتکار آمریکا موجب خوشحالی شده است. دانشجویان در بند دستگیری اعلام کردند که مبادا وجهالمنالحه قرار گیرند. ضمن تحسین از این بینش، صریحا اعلام می‌کنیم بر مبنای فرمان امام امت و خواست مردم، مجلس اجازه نخواهد داد که گروهانها از چنگال عدالت فرار کنند."

وی سپس با اشاره به اعمال وحشیانه دولت انگلستان نیز با تاسی به اربابش شیطان بزرگ است که به اذیت و آزار برادران و خواهران پرداخت.

وی سپس درباره گرانی گفت:

"لااقل در آنچه که مربوط است به دولت، یعنی تولید و توزیع بعضی کالاها می‌توانیم جلوی گرانی‌های کاذب را بگیریم."

آنگاه آقامحمدی، نماینده همدان، پشت تریبون رفت و ضمن اشاره به بمب‌گذاری در مسجدی در همدان و خطاب به دشمنان انقلاب و "دشمن بزرگ ما شیطان بزرگ آمریکا" گفت:

"دشمنان ما شیطان بزرگ آمریکا" گفت:

توجه!

مقالات زیر را، که در هفته گذشته در "نامه مردم" انتشار یافت، برای مطالعه ویژه رفقای حزبی توصیه می‌کنیم: - برخی مسایل حادث روز (شماره ۲۹۹) - جامعه در انتظار نظام مصلحتی و انقلابی (شماره ۳۰۲).



تأیید فرد مردم ایران زنده اند آمریکا در ایران جانی نخواهد داشت

"کشوری که نیروی هوایشی در اختیار مبدیون کودتای بوده است، خوزستانش در دست مدنی آمریکایی بوده است، نیروی دریایی و وزارت دفاعش در دست او بوده است، نیروی اقتصادی اش، یعنی نفت، در دست نژاد آمریکایی بوده است، آذربایجان - نش در دست مقدم‌مراغه‌ای بوده است، چطور شد که شما نتوانستید گاری بکنید؟ شما فهمیدید که کار کار مردم است، قصیر خود مردم است، (نه کار گروهها و دسته) حالا شما آمده‌اید در مسجد ما بمب می‌گذارید و مردم ما را می‌کشید! امریکایی‌ها می‌داند که تا فرد فرد مردم ایرانی و مسلمان و معتقد زنده اند، او در این کشور جایی نخواهد داشت."

وی سپس، ضمن اشاره به شجاعت مردم و کشتارهای میدان شهدا و ۳۰ مهر همدان و قیام تبریز گفت:

"شما ققدر گوریدید! مگر نمی‌دانید که مردم ما از این چیزها نمی‌ترسند. اما تودشمن بدان ما دولتی را خواهیم پذیرفت که تو نیاشی! دولتی را خواهیم پذیرفت که برای مردم ارزش قائل باشد."

وی در پایان گفت:

"ای گاش بیشتر از این خونها بریزید، تا اگر ما خوابیم بیدار شویم."

پس از سخنان قبل از دستور نمایندگان، درباره آئین نامه بحث شد و پیشنهادهای اصلاحی مورد تصویب قرار گرفت.

سپس صادق قطب زاده، وزیر امور خارجه، که برای پاسخ به سئوالات نمایندگان به مجلس احضار شده بود، درباره سیاست خارجی و در تائید اعمال خود سخنانی بیان کرد و ضمن تطبیق معمول به حزب توده ایران جمله کرد.

آنگاه حجت الاسلام موسوی خویینیها نائب رئیس مجلس در توضیح اظهارات قطب زاده گفت:

"البته اظهارات آقای قطب زاده معنایش این نیست که ما همه آنها را پذیرفتیم و همه آنها درست است و یاد دیگر کاری با ایشان نداریم، همچنانکه اعتراضات زیادی به اینجا رسیده است که به اظهارات آقای قطب زاده است و خیلی از آنها را اصلا جواب سئوالات نمی‌دانند."

در پایان اعلام شد که جلسه علنی بعدی مجلس روز یکشنبه آینده تشکیل خواهد شد.

در حاشیه مجلس

قطب زاده در پاسخ به سئوال یکی از نمایندگان درباره وجود عکسهایی از شاه مخلوع و... در سفارت ایران در فرانسه گفت:

"این تابلوها باربرده بودند در زیر زمین... حالا چطور شد که بعد از ۲۰ ماه یکدفعه پیدا شده؟"

عده زیادی از نمایندگان و تاجانچیان خندیدند و حجت الاسلام خدخالی گفت: "این سئوال ماست و شما باید جواب بدهید!"

تشکیل جبهه دمکراتیک انقلابی در السالوادور

اعلام داشت که، برپا به این برنامه، جبهه‌ای بنام "جبهه" دمکراتیک انقلابی تشکیل شده است، که بیست و یک سال زمان ملی با عقاید ایدئولوژیک و سیاسی گوناگون از جمله حزب کمونیست السالوادور، را در بر میگیرد.

وی افزود: "اینک در کشور ما دو جنگ در جریان است. جنگ نخست را، که غیر-عادلانه و واپس‌گراست، امریکالیسم ایالات متحده آمریکا و ارتجاع بومی و آمریکای میانه علیه خلق السالوادور برافروخته است. هدف این جنگ نابودی ما، بازستانی نیکار گوشه و رویاوشی با روند انقلابی در آمریکا میانه و دریای کارائیب است."

جنگ دوم، جنگ عادلانه و خلقی مردم السالوادور، برهبری سازمانهای سیاسی و نظامی آنهاست، که میخواهند رژیم ترور را سرنگون سازند و سرنوشته خویش را بدست خود گیرند."

هندل گفت که امکان مداخله مستقیم امریکالیسم را نباید نادیده گرفت. وی، بنقل از موبیات کنگره هفتم حزب، که در پیها را سال برگزار شد، افزود که با اطلاعات نمیتوان به بحران سیاسی و اجتماعی کشور غالب گشت و گفت که هدف میهن پرستان السالوادور آن نیست که به دیکتاتور نظامی وفا شیت گسرای کنونی جامعه دمکراتیک ببوشا نند.

درسی که وزارت خارجه باید از دانشجویان مبارز ایرانی در خارج بگیرد

تظاهرات دلیرانه و افشاگرانه دانشجویان ایرانی در ایالات متحده آمریکا و برخی از کشورهای امپریالیستی اروپای غربی، از جمله نشان داد که، وزارت خارجه ایران به وظایف خود در زمینه آگاه ساختن مردم جهان نسبت به روند و ستاوردنهای انقلاب ایران عمل نمیکند. دانشجویان مبارز ما در کشورهای غربی تا مبرده از نقش مبارزانه کارها که سفید نشینانی برده برداشتند، که از یکسو ما هاست کارزار تبلیغاتی "حقوق بشر" سیاسی را از ما می‌زنند و از سوی دیگر به نقض فاحش یکی از بدیهیترین آزادیهای دمکراتیک یعنی آزادی بیان، در چند قدمی قبله "جهان آزاد" دست می‌زنند. همانهایی که دانشم سنگ "دگراندیشان" را در کشورهای سوسیالیستی به سینه می‌زنند، حاضر نیستند صدای حقگویانسه- دانشجویان کشور را بشنوند، که امپریالیسم جنایتکار آمریکا دست کم بیست و پنج سال شروتن را چا پیده و آزادی و استقلالش را به دامنشانه ترین وجهی با یمال کرده است.

اما افشاگرهای دانشجویان مادر خارج، همچنین روسیاهی است برای وزارت خارجه ایران و شخص آقای قطب زاده، که هم نشینی و همگویی با دشمنان ضیاء الحقها و شرکایان و نمایندگان خود خوانده "مردم" (بخوان: اشرا رضد- انقلابی) افغانستان، نه تنها وقتی برای اوباقی نگذاشت، که حتی یکبار ربه حضور سرکردگان ضد انقلاب و ساواکی هلی فراری در کشورهای امپریالیستی اعتراض کنند و استرداد این دسیسه کاران خونخام را خواستار شود، بلکه سفارتخانه‌ها پیش در خارج به بنیادترین وظایفشان در گستره تبلیغ دستاوردنهای انقلاب درخشان ما نیز عمل نکرده اند. آخرین نامه آقای قطب زاده، به کورت والد هلم هم، که در آن طبق معمول و بر حسب عادت (؟) با ردیکر موضع بظا هراستقلال طلبانه او از "برق قدرت" نمایان میشود، از این ارزیابی ذره ای نمی‌کاهد.

به گفته حجت الاسلام خا منهای: "وزارت خارجه نباید بیک نامها کفای بکند، بلکه باید فعالیت وسیع جهانی خود را بخصوص در همه کشورهای اروپایی و همچنین کشورهایی که تحت سلطه آمریکا هستند، مثل خاورمیانه، امریکای لاتین، آفریقا و هر جا که نمایندگان جمهوری اسلامی هست، شروع کند."

امیدواریم که وزارت خارجه ایران اقدامات روشنگرانه دانشجویان رزمنده ما را در آمریکا و دیگر کشورهای اروپایی سر آغازی برای بذل توجه بیشتر به وظایف افشاگرانه خود آشنا ساختن افکار عمومی جهان تلقی و از این راه دین خود را، لااقل در این زمینه، به انقلاب و انقلاب بیون ایران ادا کند.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

نلمه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران. دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی. خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸. محل دفتر نامه مردم، فعلاً در اشغال عناصر غیر مسئول است.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود